

نبیل اعظم زرنندی

دکتر وحید رأفتی

تحریر شرح حال جامع و کامل شاعر و مورخ و مبلّغی چون نبیل اعظم زرنندی که اقدامات وسیعش در تحولات مهم نیم قرن اول تاریخ دیانت بهائی اثراتی پایدار و عمیق از خود بجا گذاشته محتاج عرصه‌ای وسیع است و صفحات معدود این مقاله را گنجایش تحریر چنین شرح حالی نیست. از طرف دیگر ارزیابی دقیق کیفیت خدمات نبیل زرنندی و نقشی که در تاریخ پُرحادثه و شگرف این دوره بازی نموده محتاج به مراجعه به اشعار و رسائل او و مکاتباتش با مظهر امر الهی و الواح نازله از قلم جمال قدم به اعزاز اوست. تنها با مراجعه به این مواد و مطالعه، مکاتیبی که به افراد و جوامع بهائی مرقوم نموده و نیز با توجه به مطالبی که در آثار مختلفه، قدمای بهائی و احياناً غیربهائی درباره، او مرقوم شده می‌توان به زوایای افکار و خدمات و تأثیراتی که در جامعه، امر داشته پی برد و سهم او را در مقدّرات دو عهد اول رسولی به دقت تعیین و مشخص نمود. چون آثار متنوع و وفیر نبیل زرنندی هنوز جمع‌آوری نشده و دسترسی به سایر مواد فوق الذکر برای حقیر میسر نبوده مطالبی که در صفحات بعد به نظر خوانندگان گرامی خواهد رسید باید صرفاً به عنوان مقدمه‌ای بر شرح حال نبیل زرنندی تلقی گردد و اظهار امیدواری شود که با مواد و مدارکی که به تدریج به دست خواهد آمد شرح حال کامل این نادره، زمان در آینده ایام به رشته، تحریر درآید و همه، زوایای حیات مملو از حادثه، این شخصیت عظیم بهائی مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گیرد.

آنچه ذیلاً مسطور خواهد شد ابتدا شرحی فهرستوار درباره، سفرهای جناب نبیل را در بر خواهد داشت؛ سپس چند عبارت درباره، سجایای اخلاقی و کمالات معنوی او مذکور خواهد شد و بعد مهم‌ترین آثار نازله خطاب به نبیل را به اجمال بررسی خواهیم نمود و انواع اقدامات مهم و اساسی او را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. معرفی و بررسی اجمالی مندرجات مهم‌ترین آثار قلمی جناب نبیل زرنندی موضوع آخرین بخش این مقاله خواهد بود.

یارمحمد نبیل اعظم زرنندی در ۱۸ صفر سنه ۱۲۴۷ ه. ق. (۲۹ جولای ۱۸۳۱ م.) در زرنند در خانواده‌ای که مؤمن و معتقد به مذهب تشیع بود پا به عرصه وجود نهاد. پدرش غلام‌علی ابن حسین عرب نام داشت و مادرش دختر کلب علی جوشقانی بود. نبیل آیام طفولیت خود را در زرنند به چوپانی گذرانید و تحصیلات اولیه خود را که عبارت از کسب علوم متعارف بود نزد ملای ده به اتمام رسانید. او از اوان طفولیت نشان داد که حافظه‌ای قوی و ذوقی سرشار و شوقی وفیر به عبادت حضرت پروردگار دارد. در بهار سنه ۱۲۶۳ ه. ق. (۱۸۴۷ م.) که نبیل برای ملاقات بعضی از افراد فامیل خود سفری به رباط کریم نمود اتفاقاً در جریان مذاکرات مذهبی که بین دو نفر بابی رد و بدل می‌شد قرار گرفت و از ظهور جدید اطلاع حاصل نمود. این قضیه گذشت و بعدها سید حسین زواره‌ای را که از بابیان بود اتفاق سفر به زرنند افتاد و با نبیل ملاقات حاصل نمود. سید حسین در تبلیغ نبیل کوشید و او را به سرچشمه هدایت الهیه رهنمون گشت. به دنبال این ملاقات و مذاکرات، سید حسین زواره‌ای نسخه‌ای از رساله عدلیه را که از قلم حضرت ربّ اعلیٰ عزّ و نزل یافته بود برای مطالعه به نبیل داد و زیارت این اثر منبع بر مراتب ایقان و اطمینان نبیل افزود. او پس از ورود در جرگه اهل ایمان به سیر و سفر پرداخت و از جمله در مسافرتی به قم با سید اسمعیل ذبیح زواره‌ای که پسرعموی سید حسین زواره‌ای بود آشنا شد و بر دامنه اطلاعات خود در زمینه نهضت جدید بابیه افزود. در این اوان که واقعه قلعه، شیخ طبرسی در جریان بود نبیل را شوق سفر به مازندران و معاضدت اصحاب قلعه در سر افتاد اما بنا بر توصیه سید اسمعیل ذبیح در قم رحل اقامت افکنده به تبلیغ و هدایت نفوس مستعدّه پرداخت و سپس به طهران مراجعت نمود، با ملا عبدالکریم قزوینی (میرزا احمد کاتب) ملاقات نمود و از او که واقف و عالم به جزئیات تاریخی نهضت جدید بود اطلاعاتی وسیع درباره تاریخ امر مبارک کسب نمود و به روح و نشاطی عظیم واصل گشت. در همین سفر برای اولین بار با جمال قدم در طهران ملاقات نمود. او به تدریج به عائله حضرت بهاء‌الله قربیت یافت و محلّ اعتماد اعضای آن خاندان گردید و حضرت عبدالبهاء را که در آن آیام در مدرسه میرزا صالح به تحصیل مشغول بودند در ایاب و ذهاب مونس و معاضد شد. نبیل در همین آیام به تدریج با فحول بابیه طهران آشنائی حاصل نمود و چون در زمستان ۱۲۶۶ ه. ق. (۱۸۵۰ م.) تزییقات و مشاکل بابیه در طهران افزایش یافت به امر جمال قدم میرزا احمد کاتب راهی قم و نبیل عازم زرنند شد و نوروز آن سال را در زادگاه خویش و بین افراد فامیل گذرانید.

نبیل در بهار سال ۱۲۶۷ ه. ق. (۱۸۵۱ م.) سفری به الشتر نمود و در صدد تبلیغ و هدایت ایلدرم میرزا حاکم لرستان برآمد و کتاب دلائل سبعة حضرت ربّ اعلیٰ را به او تسلیم نمود. در همین سفر در معیت میرزا احمد کاتب در کرمانشاه جمال قدم را که عازم کربلا بودند در رمضان ۱۲۶۷ ه. ق. (جولای ۱۸۵۱ م.) ملاقات نمود و بعد در طهران رحل اقامت افکند.

در آیام اقامت در طهران نبیل به تبلیغ و هدایت نفوس پرداخت و از جمله کتاب دلائل سبعة را به مستوفی الممالک آشتیانی و میر سید علی مجد الاشراف تفرشی تسلیم نمود و ایمان مستوفی

الممالک را باعث گردید. به دنبال این موقّیّت‌ها عازم زرنند شد و چون به بابیّت اشتهار یافته بود در آنجا به سعایت مخالفین و دشمنان امر دستگیر شد و مدّت چهار ماه در حبس ساوه گرفتار بلیّات بود. نبیل چون از حبس آزاد شد به زرنند رفت و سپس در صفحات طهران و خراسان به سیر و سفر پرداخت و سرانجام در آخر ذی حجّه سنه ۱۲۷۰ هـ. ق. (سپتامبر ۱۸۵۴ م.) عازم بغداد گردید. ورود نبیل به بغداد مصادف با ایّام هجرت جمال قدم به کردستان بود لذا مقصود خویش را نیافت و عازم کربلا شد و در آنجا چند ماه اقامت نموده سپس به بغداد مراجعت نمود و تا رجب ۱۲۷۱ هـ. ق. (مارچ ۱۸۵۵ م.) ساکن بغداد بود. بعد مجدداً روانه کربلا شد و چون جمال قدم در رجب ۱۲۷۲ هـ. ق. (مارچ ۱۸۵۶ م.) از کردستان به بغداد وارد شدند نبیل نیز به بغداد آمد و پس از چند ماه اقامت سرانجام در صفر ۱۲۷۳ هـ. ق. (اکتبر ۱۸۵۶ م.) عازم ایران شد و زمستان را در نواحی همدان گذرانید و نوروز و بهار سال ۱۲۷۳ هـ. ق. (مارچ ۱۸۵۷ م.) را تا آخر رمضان ۱۲۷۳ هـ. ق. (می ۱۸۵۷ م.) در زادگاه خود زرنند بسر بُرد، سپس سفرهای متعدّدی به طهران، قم، کاشان، قمصر و نراق نمود و از طریق کرمانشاه بار دیگر به بغداد عزیمت نمود و در ۷ ذی حجّه ۱۲۷۴ هـ. ق. (۱۹ جولای ۱۸۵۸ م.) به بغداد وارد شد.

در ایّام اوّلیه، اقامت جمال قدم در بغداد که شمس‌هدایت الهیه در نظر عامّه بایان هنوز در خلف سحاب مستور بود عده‌ای از سران بابیه به ادّعای من‌ظهره اللّهی پرداختند و نبیل نیز از جمله کسانی بود که به دعاوی مظهریّت پرداخت. درباره حالات نبیل در این ایّام در کتاب بهاء‌اللّه شمس حقیقت چنین مسطور است:

«... ملا محمد زرنندی ملقب به نبیل اعظم که مقدر بود تا به مقام برجسته‌ترین وقایع‌نویس و مورّخ دیانت بابی و بهائی درآید خود در ابتداء بعضی ادّعاهائی داشت و هنگامی که حضرت بهاء‌اللّه در سلیمانیه بسر می‌بردند به بغداد رسید. وی به اعتراف خودش هنوز تصوّر می‌کرد که شخص مورد نظر یعنی جانشین حضرت باب میرزا یحیی است و تقاضای ملاقات با او را نمود. میرزا موسی جناب کلیم در روی پُل با نبیل مصادف شد و او را برای ملاقات با غصن اعظم که در آن هنگام بیش از ده سال نداشتند با خود به بیت مبارک (خانه علی مدد) بُرد. وی از میرزا موسی شنید که میرزا یحیی با کسی ملاقات نمی‌کند و این عین حقیقت بود زیرا میرزا یحیی نه تنها روئی به نبیل نشان نداد بلکه برایش پیغام فرستاد که از بغداد خارج شده به کربلا که محلّ امنی است و سید محمد اصفهانی نیز در آنجا ساکن است برود.

نبیل در کربلا حرکات سبکسرانه و آشوب طلبانه، سید محمد را به دقّت مشاهده می‌کرد و بالاخره نیز آنها را در تاریخ وقایع خود ثبت نمود. نبیل ناراضی بود و از این جهت به خود اجازه داد تا ادّعای رهبری نماید. او که میرزا یحیی را چون شبانی مهربان در حفظ اغنام مظلوم و حراست گلّه پراکنده نیافته بود با قلمی مؤثر ناامیدی‌ها و سرگشتگی‌های روحانی خود را شرح می‌دهد و سپس از بازگشت حضرت بهاء‌اللّه از سلیمانیه، مشرف شدن به حضور ایشان و یافتن مقصود روحانی خویش در ایشان، و توبه در آستان مبارک سخن به میان می‌آورد، و

تعریف می‌کند که چگونه به آقا محمد ابراهیم امیر نیریزی... که مشغول رفت و روب جلوی درب بیت مبارک بود بر می‌خورد و جاروب را از دست او گرفته خود به جاروب کردن مشغول می‌شود و اینکه چگونه در آب رود دجله غسل کرده (به نشانه، شستن لگنهای گناهان گذشته) و عباى طلبه‌گی را از خود خلع می‌نماید. نبیل با یافتن تولد دوباره، شعری نغز سرود که مورد توجه و عنایت حضرت بهاء‌الله قرار گرفت و به او فرمودند که سرودن آن شعر مَهْری بود که بر اعمال گذشته، او زده شد و تلافی مافات را نمود. بعد از همه، اینها بالاخره ملاً محمد زرنندی با خود و با دنیا از در صلح درآمد. وقتی به هیکل مبارک خبر دادند که ملاً محمد، که بعدها لقب نبیل اعظم به او عطا فرمودند، مشغول جارو کردن کوچه، بیت مبارک است با اشاره، لطفی اجازه، این کار را به او دادند و فرمودند: او با این کار مرا شرمسار می‌کند.»^۱

چنانچه ذیلاً در شرح مثنوی «وصل و هجران» ملاحظه خواهد شد نبیل در ابتدای سنه ۱۲۷۵ ه. ق. (۱۸۵۸ م.) در بغداد به جمال قدم ایمان یافت و تولد ایمانی او مقدمه، ورودش به میدان خدمت در شرع جمال اقدس ابهی گردید. حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع در این باره چنین می‌فرمایند:

«... جناب ملاً محمد زرنندی ملقب به نبیل اعظم شاعر دلباخته و مداح پُرشور و اشتعال آن محیی رم و مورخ و حواری خستگی‌ناپذیر جمال قدم نیز از قبل به مهاجرین ملحق گردید و با شوق و حرارت بی‌پایان به تبلیغ امر قیام نمود و به اسفار و اشطار بعیده در اقلیم مقدس ایران توجه کرد...»^۲

نبیل حدود سه ماه در بغداد اقامت نمود و سپس به امر جمال قدم به سوی قزوین رهسپار گردید. او خود جریان خروجش را از بغداد چنین شرح داده است:

«... در بیرون دروازه شهر بغداد آقا محمد ابراهیم امیر به من رسید و برایم خرج سفری را که از طرف جمال مبارک فرستاده شده بود آورد تا بتوانم اسبی کرایه کرده و به همراه کاروان به سفر خود ادامه بدهم. به امیر گفتم وقتی برای اولین بار به محضر مبارک رسیدم، هیکل مبارک چنان موهبتی به من عطا فرمودند که هیچگاه در زندگی نیازمند نخواهم بود و آنگاه از امیر خواستم که از درگاه فضل و بخشش او بطلبد تا نعمتی را که به من بخشیده از من نگیرد... ولی امیر دست از اصرار خود بر نمی‌داشت. بالاخره من مقداری از آنچه را که برایم آورده بود گرفتم و با او وداع نمودم. به هر کجا که می‌رسیدم درها به رویم گشوده می‌شد. مثل این بود که بال داشتم و در ملکوت محبوب پرواز می‌کردم. احتیاج به هیچ رفیق و همراهی نداشتم و از راهزنان باکم نبود.»^۳

نبیل زرنندی پس از عبور از بلاد غرب ایران به قزوین و طهران رفت و نوروز سنه ۱۲۷۵ ه. ق. (مارچ ۱۸۵۹ م.) را در آن مدینه گذرانید و سپس در اواخر رمضان ۱۲۷۵ ه. ق. (اوائل می

۱۸۵۹ م.) به بغداد مراجعت نمود و این بار به مدّت پنج ماه در ساحت قدس جمال قدم مشرف بود. در این ایّام از جمله به کار استنساخ و مقابله الواح پرداخت و نسخه‌ای از قیوم الاسماء حضرت باب را که آقا سید اسمعیل ذبیح زواره‌ای به استنساخ و تحریر آن مشغول بود با نسخه اصل آن مطابقت داد.

نبیل پس از شهادت آقا سید اسمعیل ذبیح که در ذی حجه ۱۲۷۵ ه. ق. (جولای ۱۸۵۹ م.) در بغداد اتفاق افتاد عازم ایران شد و این بار نیز تقریباً به مدّت یک سال به مراکز عمده از قبیل قزوین، طهران، قم، کاشان و اصفهان سفر کرد و سپس عازم بغداد شده، در روز نهم ذی حجه ۱۲۷۶ ه. ق. (۲۹ جون ۱۸۶۰ م.) وارد مدینه الله گردید. اقامت نبیل اعظم زرنندی در بغداد این بار حدود نه ماه بطول انجامید و در اواسط زمستان سنه ۱۲۷۷ ه. ق. (۱۸۶۱ م.) عازم ایران گردید و نوروز سنه ۱۲۷۷ ه. ق. را که مصادف با رمضان آن سال بود در سلطان‌آباد اراک سپری نمود و سپس با جوامع بابی در قم، نراق، کاشان، اردستان و اصفهان ملاقات کرد و بعد به سلطان‌آباد معاودت نمود و پس از هفت ماه که از ورودش به ایران گذشته بود مجدداً راهی بغداد شد و در اوایل ربیع الاول ۱۲۷۸ ه. ق. (سپتامبر ۱۸۶۱ م.) به بغداد وارد گردید. نبیل این بار به مدّت هفت ماه در بغداد اقامت نمود و سپس مأمور سفر به فارس شد و نیز از طرف جمال قدم مأموریت یافت تا با سید محمد اصفهانی و ملا جعفر نراقی ملاقات نماید و آنان را به امرالله دعوت کند. لذا نبیل از بغداد به همدان رفته با سید محمد اصفهانی ملاقات نمود و بعد به سلطان‌آباد رفت و نوروز سنه ۱۲۷۸ ه. ق. (۱۸۶۲ م.) را که مصادف با بیستم رمضان آن سال بود در سلطان‌آباد گذرانید و بعد راهی قم، کاشان، اردستان، اصفهان و نجف‌آباد و سرانجام شیراز شد و بعد از معاودت از شیراز در نراق با ملا جعفر نراقی ملاقات کرد و امرالله را برای او اثبات نمود. نبیل پس از اتمام این مأموریت و پس از اینکه یک سال در ایران به سیر و سفر مداوم مشغول بود مجدداً راهی بغداد شد و نوروز ۱۲۷۹ ه. ق. (۱۸۶۳ م.) را که مصادف با غره شوال آن سال بود در بغداد گذرانید و در هنگام اظهار امر جمال قدم که در ایّام اقامت در باغ رضوان صورت گرفت (اردیبهشت سنه ۱۲۴۲ ه. ش.، مطابق ذی قعدة ۱۲۷۹ ه. ق. و ۲۲ آپریل تا ۳ می ۱۸۶۳ م.) حاضر و ناظر بر جریان امور بود و مشاهدات تاریخی خود را در خصوص اظهار امر جمال قدم در باغ رضوان به رشته تحریر درآورد. شرحی که نبیل زرنندی از مشاهدات و مسموعات خود در هنگام اظهار امر علنی جمال قدم به رشته تحریر درآورده سندی فوق العاده مهم درباره این واقعه عظیمه مبارکه در تاریخ امر بهائی است.^۴

هنگام خروج جمال قدم از باغ رضوان به صوب اسلامبول نبیل از جمله کسانی بود که در بغداد باقی ماند. اما نوزده روز پس از خروج جمال قدم رنج فرقت از حضرت دوست او را به حرکت از بغداد وادار نمود و سرانجام در بین راه در اواخر ماه محرم سنه ۱۲۸۰ ه. ق. (اواسط جولای ۱۸۶۳ م.) در محلی به نام معدن مس به موکب هیکل اطهر جمال قدم پیوست و در بقیه راه تا وصول به اسلامبول و نیز در ایّام اقامت چهار ماهه جمال قدم در آن مدینه در عداد مجاورین عرش مبارک درآمد. پس از آن چون جمال قدم در جمادی الثانی ۱۲۸۰ ه. ق. (دسامبر

۱۸۶۳ م.) از اسلامبول عازم ادرنه شدند نبیل را مأمور سفر به عراق و ایران نمودند. اما حکومت او را با کشتی به بیروت اعزام نمود و او از آنجا به اسکندرون و انطاکیه و حلب رفته سپس عازم دیاربکر شد و در اول رمضان ۱۲۸۰ هـ. ق. (۱۰ فوریه ۱۸۶۴ م.) به آن مدینه وارد گردید و ماه رمضان را در آنجا گذراندید. سپس عازم موصل و بغداد شد و در نوروز ۱۲۸۰ هـ. ق. که مصادف با ۱۲ شوال بود (۲۱ مارچ ۱۸۶۴ م.) به مدینه الله بغداد وارد گشت. سپس راهی ایران شد و پس از سیر و سفر در شهرهای غربی و مرکزی ایران عازم بلاد آذربایجان و بعد از طریق تبریز رهسپار تفلیس و اسلامبول گردید و از آنجا قصد تشرّف به حضور جمال قدم در ادرنه داشت که مأمور سفر به ایران شد و لذا از اسلامبول با کشتی به طرابوزان و سپس به ارزنة الروم و از آنجا راهی تبریز گردید.

نبیل از تبریز راهی صاین قلعه شد و نوروز سنه ۱۲۸۱ هـ. ق. (۱۸۶۵ م.) را در آنجا گذراندید و از طریق کرمانشاه عازم بغداد شد و مدت پنجاه روز در آن مدینه مقیم گردید. سپس به ایران مراجعت نمود و چند ماه دیگر از ایام حیات خود را در بین ایل افشار در صاین قلعه گذراندید و از طریق تبریز و زنجان به طهران ورود نموده، زمستان ۱۲۸۲ هـ. ق. (۱۸۶۶ م.) را در طهران سپری نمود.

در این احیان نسخه‌ای از سوره، اصحاب به طهران رسید و معلوم شد که زمان قیام به دعوت عمومی اهل بیان به شریعت جمال قدم فرا رسیده و اصحاب به تبلیغ و انتشار امرالله مأمور گشته‌اند.^۵ در همین اوان نبیل زندی نیز خود لوحی خاصّ که از لسان خادم الله به اعزاز او نازل شده بود دریافت نمود که در آن به لزوم قیام و اعلان و انتشار امر مبارک تصریح شده بود. نبیل پس از زیارت سوره، اصحاب و لوح مزبور از طهران راهی بلاد خراسان شد و نوروز سنه ۱۲۸۲ هـ. ق. را که مصادف با ۴ ذی قعدة (۲۲ مارچ ۱۸۶۶ م.) بود در دامغان گذراندید. سپس عازم سبزوار و نیشابور گردید و در این شهر به تبلیغ و هدایت جناب بدیع خراسانی موقّ گشت. بعد عازم مشهد شد و در این مدینه بود که سوره، دم را که به اعزاز او از قلم جمال اقدس ابهی^۶ عزّ نزول یافته دریافت نمود.^۶ با وصول این اثر که می‌باید در حدود ذی حجه ۱۲۸۲ هـ. ق. (آوریل ۱۸۶۶ م.) به دست او رسیده باشد نبیل بیش از پیش همّت بر آن گماشت تا بی‌پرده و حجاب وجوه بابیه و سایر نفوس مستعدّه را به شریعت جمال قدم جلب نماید و مقام حضرت بهاءالله را به عنوان موعود بیان در بین ناس تثبیت و تحکیم کند. اعلان و تشهیر این مطالب که عملاً از اوائل سنه ۱۲۸۲ هـ. ق. (بهار ۱۸۶۶ م.) آغاز گردید نقطه، عطفی در تاریخ تحولات امر بابی و رابطه، آن با شرع جمال اقدس ابهی^۷ محسوب می‌شود و تشهیر و تثبیت جمال قدم به عنوان موعود بیان با اعلان اعراض و انحراف یحیی^۸ ازل قرین می‌گردد. هرچند برای اهل بصر و ناظرین به منظر اکبر مقام جمال قدم همواره واضح و معلوم بود اما از تصریحات مندرجه در آثار نازله در سنین ۱۲۸۲-۱۲۸۳ هـ. ق. (۱۸۶۵-۱۸۶۶ م.) حقائق مودوعه در مظهریت جمال قدم به منصّه، شهود رسید و زمان اعلان عمومی مقام حضرت بهاءالله به عنوان مظهر امر الهی و موعود شرع بیان فرا آمد.

یکی از مهم‌ترین مجالسی که به این منظور انعقاد یافت مجمع نفوسی نظیر میرزا محمد فروغی، ملا صادق مقدس خراسانی، حاج عبدالمجید نیشابوری، آقا محمد نبیل اکبر قائنی و شیخ احمد شهید نیشابوری در بیت جناب فاضل قائنی در بهار سال ۱۲۸۳ ه. ق. (۱۸۶۶ م.) در مشهد بود. در این مجمع نبیل زرنندی سوره، دم را تلاوت نمود و علناً و رسماً مقام جمال قدم را به عنوان من یظهره الله موعود بیان تثبیت کرد و اثر مشهور یحیی^۱ ازل یعنی کتاب المستقیظ را که متعلق به ملا صادق بود طعمه، آتش ساخت و حاضرین در مجلس را به شناسائی و قبول جمال قدم دعوت نمود. حضرت بهاء الله درباره اقدامات نبیل زرنندی در این سفر در یکی از الواح مبارکه چنین می‌فرماید :

« درباره جناب نبیل مذکور داشتید. از اول ظهور نبی اعظم از افق عالم نداء الله را اصفاء نمود چنانچه بعد از اعلاء کلمه و ارتفاع صیحه فرداً واحداً از ارض طاء به ارض خاء توجه نمودند و جمیع ناس را به حق دعوت کردند و چه مقدار بلایا و شدائد که بر ایشان وارد شد معذک لیلأ و نهارأ به ثنای حق و تبلیغ امرش نظماً و نثراً ناطق بودند.»^۲

پس از احراز موقیّت کامل در مشهد نبیل راهی بلاد دیگر خراسان و سپس یزد و اردکان و نائین گردید و در این مدینه بود که با میرزا جعفر نامی که از ارض سرّ مراجعت نموده بود ملاقات کرد و او لوحی به نبیل عرضه نمود که در آن لوح جمال اقدس ابهی^۳ نبیل زرنندی را به «نبیل اعظم» ملقب فرموده بودند. نبیل از نائین رهسپار اردستان شد و در این مدینه به دریافت سور حج بیت شیراز و بیت بغداد مفتخر گردید و نیز لوح دیگری دریافت نمود که با این عبارت آغاز می‌شود: «أَنْ يَا نَبِيْلَ الْعَظْمِ اسْمِعْ مَا يَنَادِيكَ بِه لِسَانِ الْقَدَمِ عَن جَبْرُوتِ اسْمِهِ الْاَكْرَمِ...»^۴ حضرت ولی عزیز امرالله درباره این لوح در کتاب قرن بدیع چنین می‌فرماید :

«... و نیز مصادف همین اوقات بود که جناب ملا محمد نبیل که در یکی از توقیعات اخیره از قلم قدم به لقب نبیل اعظم مفتخر و به ابلاغ کلمه الله به شرق و غرب عالم مأمور شده بود با وجود تتابع محن و رزایا به خرق «حجاب اکبر» و القای نار محبت الهی در قلوب هموطنان اسم اعظم قیام و در دفاع و نصرت امر محبوب سعی مشکور مبذول نمود...»^۵

چنانکه حضرت ولی امرالله تصریح فرموده‌اند در این لوح جمال قدم نبیل را به ابلاغ کلمه الله در شرق و غرب عالم مأمور فرموده و از جمله چنین می‌فرماید :

«... عَرَّ نَفْسِكَ عَن كُلِّ الْاِشَارَاتِ وَ دَعَّ عَن وَرَائِكَ كُلَّ الدَّلَالَاتِ مِنْ اَهْلِ الْحُجَبَاتِ ثُمَّ اَنْطَقَ بِمَا يُلْهَمُكَ رُوحُ الْعَظْمِ فِي اَمْرِ رَبِّكَ لِتَقْلِبَ الْمَمَكِنَاتِ اِلَى شَطْرِ قَدْسٍ مَحْمُوداً. بَلِّغْ رِسَالَاتِ رَبِّكَ اِلَى شَرْقِ الْاَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ لَا تَصْبِرْ اَقْلَ مِنْ حَيْنٍ وَ اَنْ هَذَا اَمْرٌ مِنْ لَدُنْ عَزِيْزٍ حَكِيْمًا. كَسَّرَ اصْنَامَ الْوَهْمِ بِقُوَّةٍ مِنْ لَدُنَّا وَ قُدْرَةٍ مِنْ عِنْدِنَا ثُمَّ اَطْلَعْ عَن اَفْقِ الْعِلْمِ بَيَانَ بَدِيْعًا...»

نبیل اعظم زرنندی پس از وصول این لوح عظیم غرّاً، از اردستان به اصفهان و سپس به شیراز

سفر نمود و در پائیز ۱۲۸۳ هـ. ق. (۱۸۶۶ م.) به انجام مراسم حج بیت حضرت نقطه اولی در این مدینه، منوره فائز گشت. پس از اتمام مراسم حج نبیل به آباده، اصفهان و کاشان سفر نموده، در اوایل رمضان ۱۲۸۳ هـ. ق. (ژانویه، ۱۸۶۷ م.) به طهران وارد شد و پس از اتمام ماه رمضان عازم قزوین گشت و سپس از طریق همدان و اسدآباد عازم کرمانشاه شد و نوروز سنه ۱۲۸۳ هـ. ق. (۱۵ ذی قعدة، ۱۲۸۳ هـ. ق. - ۲۲ مارچ ۱۸۶۷ م.) را در این شهر گذرانید و سپس عازم بغداد شد و بیت مبارک بغداد را نیز مطابق آداب و مناسک مصرحه در سوره حج بیت بغداد در بهار سنه ۱۲۸۳ هـ. ق. (۱۸۶۷ م.) زیارت نمود. حضرت ولی امرالله در این باره در کتاب قرن بدیع چنین می‌فرمایند:

«... و نیز در همین ایام بود که جمال اقدس ابهی^۱ او [نبیل زرندی] را مأمور فرمودند که به طواف و زیارت بیت مبارک حضرت باب در شیراز و بیت اعظم در بغداد عزیمت و از قبل حضرتش لوحین حج را که در همان احیان از قلم اعلی نازل شده بود تلاوت و آداب و مناسک مخصوصه را چنانکه در الواح مذکوره تنصیص شده اجراء نماید و این رسالت و مأموریت به منزله مقدمه‌ای جهت تنفیذ یکی از فرائض مقدسه این دور اعظم بود که بعدها دستورالعمل آن در کتاب مستطاب اقدس از سماء مشیت مالک قدم صادر...»^۱

نبیل پس از حج بیت بغداد از طریق موصل به دیاربکر و سپس به حلب رفت و در این شهر با مشکین قلم ملاقات نموده او را به شریعت الله دعوت نمود و سپس از حلب به اسکندرون و از آنجا با کشتی به گالیپولی رفته و از طریق بندر کاشانه در حدود اوائل جمادی الاول سنه ۱۲۸۴ هـ. ق. (سپتامبر ۱۸۶۷ م.) به ادرنه وارد شد. ورود او به ادرنه مقارن با ایامی بود که جمال قدم تازه در بیت عزت آقا ساکن شده بودند. نبیل در هنگام ورود به ادرنه از خستگی و ضعف شدید قوای بدنی در تعب بود و به امر جمال قدم مدتی به استراحت و تجدید قوای جسمانی گذرانید. در ایام اقامت در ادرنه نبیل از طرف حضرت بهاءالله مأموریت یافت تا جناب میرزا موسی کلیم را که به صفحات ازمیر رفته و مدتی مفقود الخبر شده بودند پیدا نماید و با خود به ادرنه عودت دهد. در امتثال این امر جمال قدم، نبیل از ادرنه به گالیپولی و سپس به ازمیر رفت و در آنجا از قرائن دریافت که جناب میرزا موسی کلیم در آیدین مسکن گزیده‌اند. لذا به آنجا سفر نموده منویات جمال قدم را ابلاغ نمود و در معیت جناب کلیم در زمستان ۱۲۸۴ هـ. ق. (۱۸۶۷ م.) به ادرنه معاودت نمود.

پس از انجام مأموریت فوق در محرم سنه ۱۲۸۵ هـ. ق. (آوریل ۱۸۶۸ م.) جمال قدم نبیل زرندی را مأمور فرمودند تا به مصر سفر نماید و نزد خدیو مصر برای بهائیان که در اثر خدعه و رذالت قنسول ایران در مصر دستگیر و محبوس شده بودند دادخواهی نماید. نبیل زرندی در امتثال امر مبارک در یوم چهارم محرم سنه ۱۲۸۵ هـ. ق. (۲۷ آوریل ۱۸۶۸ م.) ادرنه را به صوب مصر ترک نمود. ورود نبیل به خاک مصر با دسیسه میرزا حسن خان خوئی قنسول ایران در قاهره مواجه گردید و در نتیجه چهار روز پس از ورود نبیل به خاک مصر، او را دستگیر و مدت قریب به دو

ماه در قاهره محبوس نمودند و سپس او را برای بازجوئی بیشتر به زندان اسکندریه منتقل ساختند . حضرت ولی امرالله درباره این واقعه در کتاب قرن بدیع چنین می‌فرمایند :

« ... در مصر قنسول پُر آز و حرص قریب یکصد هزار تومان از یکی از دوستان متمکن ایران به نام حاجی ابوالقاسم شیرازی به حيله و تهديد اخذ نمود و جناب میرزا حیدر علی مع شش نفس از احبای الهی را دستگیر و به تبعید و حبس نه ساله، خرطوم محکوم نمود و تمام آثار و الواحی را که نزد آن مظلوم موجود بود ضبط کرد . سپس جناب نبیل که از جانب حضرت بهاءالله برای دادخواهی از خدیو مصر به آن قطر اعزام شده بود به امر وی در حبس افکنده شد ...»^{۱۱}

ایام اقامت نبیل در زندان اسکندریه با ورود کشتی جمال قدم به آن بندر مصادف شد و سرانجام پس از خلاصی از زندان اسکندریه او را به قبرس فرستادند و نبیل پس از ده روز اقامت در قبرس و ملاقات با احبائی که به آنجا تبعید شده بودند به بیروت سفر نمود و سرانجام در حدود اواخر رجب ۱۲۸۶ هـ. ق. (اکتبر ۱۸۶۹ م.) از بیروت به عکا آمده قصد تشرّف به حضور جمال قدم داشت . اما بعد از سه روز که در بلاتکلیفی و انتظار گذرانید به علت فتنه و فساد سید محمد اصفهانی او را مانع ورود به قلعه، عکا شدند و از بلد اخراج نمودند . درباره این واقعه حضرت عبدالبهاء در بیانات شفاهیه خود چنین می‌فرمایند : « نبیل به طور ناشناس به لباس اهل بخارا به عکا آمد و حکومت شناخت و فوراً حکم به تبعید داد .»^{۱۲} و نیز حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع چنین می‌فرمایند :

« ... نبیل نیز که خود در آن ایام به قصد زیارت جمال اقدس ابهی^۱ به آن ارض نورا شتافته بود شناخته شد و ناگزیر از آن شهر متواری گردید و فقط از وراء خندق به يك نظر به زیارت هیکل انور توفیق یافت . بعداً به ضوایحی و اطراف ناصره و حیفا و قدس و حبرون حرکت نمود تا به تدریج تزییقات تخفیف یافت و توانست خود را به جمعیت مهاجرین و طائفین حول نیر آفاق ملحق سازد ...»^{۱۳}

نبیل چند ماه در قصبه، صند و حیفا و بلاد و قصبات دیگر این اراضی حیران و سرگردان بود تا سرانجام در اواخر شوال سنه ۱۲۸۶ هـ. ق. (اوائل فوریه، ۱۸۷۰ م.) در عکا به حضور جمال قدم بار یافت و مدت هشتاد و يك روز در سجن اعظم از جمله، مجاورین وجود اطهر بود، چنانچه جمال اقدس ابهی^۱ در لوحی چنین می‌فرمایند : « ... و آویناه فی السّجن واحد و ثمانین یوماً ...»^{*} نبیل پس از این تشرّف مجدداً عازم سفر شد اما از قرائن چنین معلوم است که پس از استقرار جمال قدم در مدینه، عکا او نیز اغلب سنین دو دهه، آخر حیات خود را در عکا گذرانده و در این ایام به سرودن اشعار، استنساخ الواح و تحریر تاریخ جاودانه، خود مشغول بوده است .

هنگامی که در دوم ذی قعده، ۱۳۰۹ هـ. ق. (۲۹ می ۱۸۹۲ م.) صعود جمال قدم در قصر

* تمام این لوح در ابتدای این مجلد به طبع رسیده است .

بهجی در جوار مدینه، منوره، عکا واقع شد بنا به فرموده حضرت عبدالبهاء در تذکرة الوفاء نبیل را

«چنان تزلزل در ارکان افتاد که می‌گریید و می‌لرزید و فریاد و فغان به اوج اعلیٰ می‌رسید... باری، نبیل جلیل از هجران و حرمان چنان سوزان و گریان گشت که هرکس مبهوت و حیران می‌شد. می‌سوخت و می‌ساخت و نرد جانفشانی می‌باخت. تحمل نماند. صبر و قرار فرار کرد. آتش عشق شعله‌ور گردید. طاقت صبوری طاق شد. سرخیل عشاق گردید. بی‌محابا رو به دریا زد و تاریخ وفات خویش را قبل از جانفشانی نوشت و با کلمه، غریق تطبیق نمود. جان به جانان باخت و از هجران و حرمان نجات یافت...»^{۱۴}

نبیل در اشعاری که به فاصله بسیار کمی قبل از صعودش سروده چنین می‌گوید :

پنج واحد رفت از یوم صعود باز در این خاکدانم ای ودود
حق اغصان خود و خاصان خود کز عطا و بخشش و احسان خود
باز کن بر قلب مجروحم طریق و اندرین سال غریقم کن غریق

کلمه، غریق در مصرع اخیر برابر ۱۳۱۰ است و از قرائن چنین پیداست که صعود آن «سرخیل عاشقان و سرور طالبان» چند روزی پس از گذشت پنج واحد یعنی نود و پنج روز از صعود جمال قدم بوده است. به این ترتیب صعود جناب نبیل باید در حوالی دهم صفر ۱۳۱۰ هـ. ق. (۲ سپتامبر ۱۸۹۲ م.) رخ داده باشد. سه روز پس از واقعه، جانفشانی نبیل جلیل آنچه از بقایای جسد مقدّسش یافت شده بود در قبرستان عکا به خاک سپرده شد و در مراسم تشییع و تدفین آن «شعله، آتش و نائره، عشق سرکش»، حضرت عبدالبهاء بنفسه المقدّس شرکت فرمودند و اشک حسرت بر گونه‌ها جاری نمودند.

نبیل در یکی از غزلیاتش از شوقی که به ایثار جان در ره محبوب امکان داشته چنین سخن گفته است :

شوری از عشق تو ای شاه بپا خواهم کرد خویش را فارغ از این چون و چرا خواهم کرد
درد عشقی که مرا هست ز عشقت شب و روز وقتی از وصل تو ای شاه دوا خواهم کرد
گر کند بخت مدد با سر و جان می‌آیم سر و جاتم به در دوست فدا خواهم کرد
رسد از دست من ای یار به درگاه تو باز نقد جان را به بر یار فدا خواهم کرد
چون برم سجده به درگاه تو ای یار عزیز این نمازی است که از قلب ادا خواهم کرد
گرچه آرام به دل نیست، چه باک است مرا که من این روح و روان را به فدا خواهم کرده^{۱۵}

نبیل اعظم زرنندی را به حق باید از عشاق واقعی جمال قدم و از جمله زهاد و اولیاء زمانه محسوب نمود. او مظهر اعلائی توکل و رضاست. در عوالم تسلیم و عبادت به مراتب اعلیٰ رسیده و در اطاعت محض و محویت و فنای بات در اراده، جمال اقدس ابهی گوی سبقت را از همگنان ربوده است. نبیل متقی، صریح اللّهجه و متهوّر است. حق‌گو و درستکار و صحیح العمل است. اهل

وفا است. صفای دل و روح خفیف و جانی آتشبار دارد. در عشق جمال قدم به بی‌باکی و پاک‌بازی می‌رسد، پرده‌داری می‌کند و گاه بدانجا فرا می‌رود که احکام عقل و منطق را به کلی ندیده می‌گیرد و آنها را در بند دلدادگی خویش به جمال معبود اسیر می‌سازد. در این موارد حکیم علی الاطلاق او را به رعایت حکمت می‌خواند و به سکون و قرار دعوت می‌کند.

نبیل حافظه‌ای قوی و علاقه‌ای مفرط به قضایای تاریخی و حوادث و وقایع امر الهی دارد. سیاحتی جهان‌دیده، سرد و گرم چشیده و منقطع از قیود حیات مادی و قانع به رزق قلیل یومی است. نبیل سریع‌القدم است. فرسوخ‌ها راه را پیاده و به سهولت در می‌نوردد، او به شبروی و استراحت در روز علاقمند است.

ذوقی سرشار و قریحه‌ای سیال دارد. شعر بسیار می‌داند. بسیاری از آیات قرآنی و احادیث و ادعیه اسلامی را از بر دارد. با آثار و آیات حضرت ربّ اعلیٰ و جمال اقدس ابهی مأنوس و مألوف است. به سهولت و روانی و وفور و سرعت شعر می‌گوید و قدرت آن را دارد که هر مطلبی را به نظم کشد و نیکو بپرورد. حاج محمد طاهر مالیری که زمانی در عکا خود شاهد عینی شعرسرائی نبیل بوده یکی از موارد کار نبیل را چنین توصیف فرموده است:

«... چون از دروازه عکا گذشتیم همان حین درب دروازه را بستند، چون معمول بود همیشه چهار ساعت از شب گذشته دروازه را می‌بستند. چون به منزل رسیدیم جناب نبیل فرمودند باید امشب را احیا بگیریم. من مشغول نوشتن اشعار می‌شوم و شما هم چای درست کنید. بنده تا صبح چند دفعه سماور آتش کردم و در تمام مدت شب جناب نبیل مشغول شعر گفتن بودند و شعر گفتن ایشان مسلسل و بدون فکر بود و تا صبح يك ورق بزرگ را پشت و رو شعر نوشتند و سواد آن اشعار [را] با دو کله قند به ساحت اقدس جمال قدم فرستادند و آن اشعار حاوی مطالب تاریخی بود از قبیل حبس و زندان جمال قدم و تبعید به دارالسلام و سرگونی به اسلامبول و ادرنه و عکا و شدائد و بلایای وارده در قشله، نظام و حکایت قصر عودی و ذکر اینکه در سنه سیزده از ورود مبارک به عکا، حضرت عبدالبهاء این قصر را از ورثه عودی اجاره فرمودند و اراده مبارک به تشریف بردن به قصر و تفصیل واقعه، آن شب را در اشعار گنجانده بودند و اینطور بیان فرموده بودند که چون آن شب اراده طواف نمودیم مشاهده شد که ارواح نبیین و مرسلین و ملا اعلیٰ و کروبین کلّ برای زیارت و طواف قصر مبارک پشت در پشت ایستاده به طوری که ما نتوانستیم نزدیک شویم. خلاصه تفصیل کامل مواقع را ذکر کرده بودند. حتی قضیه احیا گرفتن آن شب و شعر گفتن خود و چای درست کردن بنده را هم آورده بودند. چون آن اشعار به حضور مبارک رسیده بود يك لوحی به افتخار نبیل و بنده نازل و این زیارت را قبول فرموده بودند و در آن لوح جناب نبیل را «بلبل» و بنده را «بهاج» خطاب می‌فرمایند.»^{۱۶}

مجموعه صفات و کمالات و حسناتی که نبیل از آنها برخوردار بوده و خدمات مشعشع و جاودانه‌ای که به آن فائز شده او را در تاریخ امر بهائی بی‌نظیر ساخته است. در وصف سجایای

نبیل نقل بیان جمال قدم که به شمه‌ای از کمالات عرفانی او شهادت داده‌اند گویای تمام مطلب است که در لوحی که به اعزاز شخصی به نام غلام‌علی عزّ نزول یافته چنین می‌فرمایند :

«... ذکر جناب نبیل در نامه آن جناب بود. طوبی' لك بما ذکرته. نشهد انه فاز بما نزل فی كتب الله و نشهد ان لسانه خلق لذكر الله و بصره لمشاهدة آثار ربّه مالك الاسماء و اذنه لاصفاء ندائه الاحلی'. از اول ایام الی' حین به مدح و ثنا ناطق و ذاکر. اجر این مقام و این عمل عظیم است و از لسان عظمت نبیل اعظم نامیده شده. طوبی' لمن عرف مقامه و ذکره بما نزل من قلم الله ربّ العالمین. آن جناب باید بعد از زیارت لوح و قرائت آن قصد مقام نبیل علیه بهائی الجلیل نماید ليقرء ما نزل له من قلم الله الناطق العليم و ليشهد ما جرى باسمه فی هذا اللوح البديع. نسئل الله تبارك و تعالیٰ ان ينصر به امره. انه هو المقتدر القدير.»^{۱۷}

سایر آثار جمال قدم و شرح مبسوط حضرت عبدالبهاء درباره محامد و نعوت و فضائل جناب نبیل زرنندی که در تذکره الوفاء به طبع رسیده مراتب ایمانی و اخلاقی و ادبی این رجل عالی‌قدر را معلوم و واضح می‌سازد.

نبیل زرنندی در طول حیات مشعشع ایمانیش مفتخر به دریافت الواح عدیده‌ای از یراعه جمال اقدس ابهی' گشته* و در بعضی از الواحی که به اعزاز سایرین نازل شده نیز ذکر محامد و سجایای او از قلم جمال قدم عزّ نزول یافته است. آثاری که از قلم طلعات مقدسه بهائی خطاب به نبیل و یا درباره نبیل نازل شده هنوز کاملاً جمع‌آوری نشده و حقیر اطلاع دقیقی از حجم این آثار ندارد. اما از قرائن و شواهد چنین پیداست که نبیل در طی اسفار خود شرح احوال و اوضاع خود و مشاهدات و مذاکراتی را که با نفوس مختلفه داشته و آنچه را در بلاد عدیده ملاحظه می‌نموده طی عریضی به حضور جمال قدم ارسال می‌داشته و در جواب، الواح و آثار مبارکه را دریافت می‌نموده است. به این قیاس تعداد آثاری که از قلم جمال قدم به اعزاز او نازل شده باید کاملاً قابل ملاحظه باشد. اما مهم‌ترین و مشهورترین آثاری که از قلم حضرت بهاء‌الله خطاب به او نازل شده و یا محتوی خطباتی به اوست به شرح زیر است. بدیهی است که اطلاع از مندرجات دقیق این آثار مستلزم مراجعه به نفس این آثار است و شرحی که ذیلاً درباره اهم آنها مرقوم خواهد شد از معرفی کلی هر اثر تجاوز نخواهد نمود.

اول - سوره دم. این اثر از آثار نازله در ادرنه است و متن کامل آن که به زبان عربی است در کتاب آثار قلم اعلیٰ جلد چهارم (طبع ۱۳۳ بدیع)، صص ۵۹-۶۷ به طبع رسیده است.

سوره دم که در سال ۱۲۸۲ هـ. ق. (۱۸۶۵ م.) نسخه‌ای از آن به دست نبیل اعظم زرنندی رسیده دستورالعمل کامل و جامع جمال قدم برای کیفیت حرکات و سکانات نبیل و نحوه اقدام او به خدمت امر عظیم الهی است. در این اثر جمال قدم او را به تخلّق به اخلاق الهی، عدم اعتراض به ظالم، توکل در همه امور و مشی در بین ناس به سکینه و وقار امر می‌نمایند و این نکات را

* بخشی از این آثار در ابتدای این مجلد به طبع رسیده است.

توضیح می‌فرمایند که کسی که تو را غیبت می‌کند از او غیبت منما و هرکس با تو یار و مددکار تو است همیشه با او مؤانس باش و در هنگام تبلیغ امر الهی به حدی که مستمع قادر بر درک حقائق باشد مکالمه کن. در این اثر عظیم، جمال قدم از مصائب وارده بر خود شمه‌ای بیان داشته‌اند و صریحاً پیشگویی می‌فرمایند که مخالفین بر ضدیت و دشمنی قیام خواهند نمود. همچنین اهل بیان، فرقان و پیروان مسیحیت را به امر الهی دعوت فرموده‌اند. در این لوح جمال قدم صریحاً به این مطلب تصریح می‌فرمایند که موعود کلّ امّ ظاهر شده است.

با توجه به تاریخ نزول سوره، دم که در اوائل ورود به ادرنه از قلم جمال قدم عزّ نزول یافته، اهمیت پیام مندرج در این لوح و آغاز دعوت جهری و عمومی جمال قدم را می‌توان به سهولت در خلال آیات مهیمنه، آن ملاحظه نمود. چنانچه در شرح اسفار نبیل مذکور شد نبیل در مجمع احبای خراسان سوره، دم را زیارت نموده و آنان را به شریعت جمال قدم دعوت کرده است.

دوم - سور حج بیت شیراز و بغداد. این دو اثر مفصل، مهیمن و بسیار پر اهمیت جمال قدم نیز در ادرنه نازل شده و مطابق مندرجات آنها نبیل زرنندی بیت حضرت باب در شیراز و بیت اعظم جمال اقدس ابهی^۱ در بغداد را بر اساس مناسک و آداب حج بهائی که در این سور عزّ نزول یافته زیارت نموده است. چون مندرجات سور حج به تفصیل در مقاله، دیگری از این عبد شرح و بسط یافته در این مقام به ذکر همین مختصر اکتفاء می‌نماید و خوانندگان گرامی را به کتاب محبوب عالم که مقاله، فوق الذکر در آن به طبع رسیده احاله می‌دهد.^{۱۸}

سوم - مناجات. از قلم جمال قدم در ابتدای ورود به سجن عکا مناجاتی از لسان نبیل زرنندی که در آن ایام قصد تشرّف به حضور جمال قدم داشته و از ظلم و ستم اعداء از این نعمت محروم شده عزّ نزول یافته که با عبارت «سبحانک یا الهی قد حالت بینک و بین خلقک سبحات عبادک الذین کفروا بأیاتک...» آغاز می‌شود.* در رأس یکی از نسخ این مناجات جمال قدم می‌فرمایند: «هذا ما نزل من لسان القدرة والقوة اذ اکبّ النبیل بوجهه علی التراب فی خارج المدینة امام السجّن مقررّه العزیز الحکیم.»

چهارم - لوح مبارکی از قلم جمال قدم به اعزاز نبیل نازل شده که با این عبارت آغاز می‌شود: «نبیلی، اکثری از خلق از حقّ سمّ طلب نموده و می‌نمایند...» در این لوح مبارک[†] جمال قدم شرحی مبسوط از مصیبات و مشاکل وارده بر خود مرقوم فرموده و به بیان مبارک حضرت ربّ اعلیٰ که در باب اول از واحد ششم کتاب بیان فارسی عزّ نزول یافته اشاره می‌فرمایند که نزد مظهر امر دو کلمه بیش نیست و آن دو کلمه عبارت از «بلی» و «لا» است. بنا به فرموده، حضرت ربّ اعلیٰ «به یک بلی» کلّ زنده می‌گردند و به یک لای او کلّ فانی می‌گردند به حقّ.»

در این لوح همچنین ذکر این مطلب آمده است که چه بسیار نفوس که به حسب ظاهر نزدیکیکند اما در واقع غریبه‌اند و چه بسیار نفوس که به ظاهر دورند اما به حقیقت از نزدیکان محسوبند. بعد می‌فرمایند خوشا به حال آنان که هم در ظاهر و هم در باطن از نزدیکان باشند و

* متن این مناجات در ابتدای این مجلد به طبع رسیده است.

† تمام این لوح مبارک در ابتدای این مجلد به طبع رسیده است.

چنین کسانی البته از اکسیر احمر کمیاب‌ترند. پس از ذکر این مطلب جمال قدم نبیل را از قرباء
قرباء، به دو مفهوم صوری و روحانی محسوب داشته و او را عبارت از نفس خویش دانسته‌اند.

پنجم - اثر دیگری که از قلم جمال قدم به اعزاز نبیل نازل شده* با این عبارت آغاز می‌شود:
«قد حضر تلقاء الوجه كتابك و هذا صدره: آنکه از حرق الحشاء مقسوم گشته کیست من...»

این لوح منیع مبارک از نظر اشمال الطاف و عنایات خاص جمال قدم به یکی از افراد عباد در
زمره الواح نادره محسوب می‌گردد زیرا از ابتدای کلام تا آنجا که نزول آیات به زبان عربی اختتام
می‌پذیرد جمیع عبارات دلالت صریح بر میزان فضل و رحمت و عنایت الهی در حق نبیل اعظم
زرندی دارد و شاهد بر آن است که جمیع سوانح و وقایع ایام حیات نبیل به اراده الهی و مشیت
ربانی جریان یافته و او همواره در کنف حفظ و دلالت الهیه به انجام وظائف خطیره خود موفق و
مؤید گردیده است.

در این لوح ذکر بعضی از احباء و سوانح حیات آنان نیز مندرج گشته که تعیین هویت این
نفوس و بررسی سوابق این مطالب به مطالعات وسیع‌تر آینده موکول خواهد بود.

ششم - از الواح مهمه، دیگری که به اعزاز نبیل در ادرنه نازل شده و ذکر آن در حین شرح
سفرهای او گذشت لوح مصدر به عبارت «ان یا نبیل الاعظم، اسمع ما ینادیک به لسان القدم...»
می‌باشد. در این لوح منیع مبارک نبیل زرندی به «نبیل اعظم» تسمیه گردیده و چنین مأموریت
یافته است که کلمه الهیه را به شرق و غرب عالم ابلاغ نماید، اصنام وهم را در هم شکند، در
تولید اتحاد و اتفاق در بین احبای الهی بکوشد، به وقار و سکینه الهی در بین خلق مشی نماید و
با ناس به حکمت معاشرت کند تا فتنه و فساد بپا نشود و خود او از شر اعداء محفوظ و مصون
بماند. در این لوح جمال قدم با صراحت تام به شرح این مطلب پرداخته‌اند که حکم سیف و جهاد
در این ظهور مرتفع شده و نصرت به بیان و لسان مقرر گردیده است. از اهم نکات دیگر مندرج
در این لوح منیع آن است که در این ظهور مداین ارض به ملوک که مظاهر قدرت الهی‌اند واگذار
شده و آنچه مظهر ظهور برای خود خواسته مدائن قلوب ناس است که آن را از ناپاکی مقدس نمایند
و با قلوب طیب و طاهر قصد قربیت الهیه نمایند. در این لوح جمال قدم به شرح سخافت دنیا و
شعون دنیوی پرداخته و ملاً بهاء را به تقدس از آرایش‌های مادی امر فرموده‌اند. در اواخر این لوح
اهل بهاء به تمسک به تعالیم اخلاقی امر مبارک نظیر صدق، ادب، حلم و عدل امر شده‌اند و این
مطلب فوق العاده مهم در انتهای این لوح تصریح و تشریح گردیده است که اعمال اهل بهاء است
که میزان امتیاز آنان از دیگران است زیرا در اقوال، اکثر عباد با یکدیگر شریک و سهیمند.

غیر از این الواح ذکر جناب نبیل را از جمله در سوره قمیص که از سور مهمه نازله از قلم
جمال اقدس ابهی^۱ است می‌توان ملاحظه نمود که می‌فرمایند: «... منهم من سمی بمحمد بذكره بذكر
من لدنا ليفتخر بذلك بين العالمين. قل يا عبد فامح عن قلبك كل ذكر دون ذكرى العزيز المنيع
فاجعل حصنك حبی ثم رداك امری ثم درك ذكری ثم انيسك جمالی ثم اقتراك التوكل علی نفسی
المنان المقتدر المتعالی العليم.»^{۱۹}

* تمام این لوح مبارک در ابتدای این مجلد به طبع رسیده است.

به علاوه، این قبیل آیات مبارکه شرحی که در لوح حضرت عبدالبهاء درباره نبیل عزّ صدور یافته و مطالبی که در تذکرة الوفاء درباره آن قدهه، اهل وفا به طبع رسیده می‌تواند مورد مطالعه خوانندگان گرامی قرار گیرد.

در بررسی انواع کیفیت خدمات جناب نبیل زرنندی به امر عظیم الهی در مرتبه اولی باید به این مطلب تصریح نمود که آن جناب در طول حیات پُرثمر خود موفق به تبلیغ و هدایت نفوس عدیده گردید که هر یک از آنان مصدر خدمات مهمّه، عظیمه به امر الهی شدند. در وهله اول نبیل زرنندی اعضای عائله، خود را به ظلّ شریعت الله درآورد و تا آنجا که معلوم است ابوبین و خواهران و برادران جناب نبیل همه در ظلّ امرالله محشور و به خلع غفران مخلّع و مفتخر گشته‌اند. میرزا بزرگ خراسانی مشهور و ملقب به جناب بدیع نیز به وسیله نبیل زرنندی به شریعت الله ایمان یافت. هم اوست که لوح جمال قدم را که خطاب به ناصرالدین شاه نازل شده بود به طهران برد و شخصاً تسلیم شاه نمود و به فرمان او به فجیع‌ترین وجه ممکن به رتبه رفیع شهادت نائل گردید و به فخرالشهداء مشهور و موصوف گشت.

یکی دیگر از نفوس سرشناسی که شجره ایمانش به امر الهی به وسیله نبیل زرنندی سقایه گردید جناب مشکین قلم هنرمند و خطاط شهیر بهائی است. نبیل با مشکین قلم در حلب ملاقات نمود و در اثر این ملاقات و مکالماتی که صورت گرفت مشکین قلم به ایمان کامل به مظهریت جمال قدم فائز شد و قصد تشرّف به محضر معبود در ادرنه نموده، شرافت زیارت یافت و از آن پس در امر الهی مصدر خدمات مهمّه، عدیده گردید.^{۲۰}

نبیل مقام منیع جمال قدم به عنوان من یظهره الله موعود در شرع بیان را از جمله به حرم حضرت ربّ اعلیٰ در شیراز ابلاغ نمود و ایمان و ایقان آن مخدّره، کبریٰ را به جمال اقدس ابهی سبب گردید.

از وقایع مهمّه دوره اقامت جمال قدم در ادرنه نفوذ و استقرار امرالله در بلاد قفقاز است. حضرت ولی عزیز امرالله در شرح این مطلب در کتاب قرن بدیع^{۲۱} تصریح می‌فرمایند که پرچم امر الهی در آن بلاد به وسیله نفوسی افراشته شد که در اثر مساعی تبلیغی نبیل اعظم زرنندی به ظلّ امر مبارک درآمد بودند. با توجه به این اشارات، واضح می‌شود که استقرار امر بهائی در بسیاری از بلاد ایران و آذربایجان و آسیای صغیر منوط به مساعی عاشقانه نبیل زرنندی بوده و چنانکه خواهیم دید فارس خوری و قسطنطین ساعت‌ساز نیز، که آنان را باید اولین مؤمنین مسیحی به امر مبارک در مصر محسوب داشت، در نتیجه اقدامات تبلیغی نبیل زرنندی به ظلّ امر مبارک درآمده‌اند.

همچنین نبیل زرنندی است که اقبال بسیاری از جوامع اولیه بابی به امر بهائی و نیز اقبال و ایمان کثیری از وجوه سرشناس بایبه را به جمال قدم سبب گردیده و در زمینه اثبات جمال قدم به عنوان موعود بیان ید طولیٰ نموده است.

از جمله اقدامات تاریخی و مهمی که نبیل زرنندی در آن نقشی عظیم ایفاء نموده متداول کردن

تکبیر «الله ابهی» در بین پیروان جمال اقدس ابهی^۱ است. نبیل با اطلاع و استماع بعضی از آثار مبارکه که در آنها ذکر «یا اهل البهء» مسطور بوده بر قلبش چنین خور می‌نماید که برای امتیاز اهل بهاء از اهل بیان باید تکبیر متداول در عهد حضرت ربّ اعلیٰ را که «الله اکبر» بوده به تکبیر «الله ابهی» تبدیل نمود. او این مطلب را در مجلسی که از وجوه احباب در اوائل بهار سال ۱۲۸۳ هـ. ق. (۱۸۶۶ م.) در منزل جناب فاضل قاشنی در مشهد خراسان دائر بوده مطرح می‌نماید و اول کسی که از مجلس خارج و با تکبیر «الله ابهی» به آن مجلس داخل می‌شود جناب میرزا محمد فروغی بوده است. این تکبیر از آن حین در بین اهل بهاء متداول می‌گردد و ذکر «الله ابهی» امروز در همه عالم بهائی در بین یاران جمال قدم مرسوم و متداول است. حضرت ولی امرالله دربارہ، تداول تکبیر الله ابهی^۱ در کتاب قرن بدیع چنین می‌فرماید :

«... در همان اوقات بود که تحیت «الله اکبر» به تحیت «الله ابهی» تبدیل شده و تکبیر جدید دفعة واحدة بین دوستان ایران و یاران ارض سرّ معمول گردید. اولین نفسی که بنا بر تذکر نبیل ذکر الله ابهی^۱ را در مهد امرالله بلند نمود جناب ملا محمد فروغی یکی از مدافعین قلعه، شیخ طبرسی بود...»^{۲۲}

یکی دیگر از اهمّ خدمات تاریخی جناب نبیل زرنندی قیام او به انجام مراسم حجّ بهائی است که در ذکر اسفار نبیل به آن اشاره شد. حضرت ولی امرالله دربارہ، این واقعه عظیم تاریخی در کتاب قرن بدیع چنین می‌فرماید :

«... و نیز در همین ایّام بود که جمال اقدس ابهی^۱ او [نبیل زرنندی] را مأمور فرمودند که به طواف و زیارت بیت مبارک حضرت باب در شیراز و بیت اعظم در بغداد عزیمت و از قبل حضرتش لوحین حجّ را که در همان احیان از قلم اعلیٰ نازل شده بود تلاوت و آداب و مناسک مخصوصه را چنانکه در الواح مذکوره تنصیص شده اجرا نماید و این رسالت و مأموریت به منزله مقدمه‌ای جهت تنفیذ یکی از فرائض مقدّسه این دور اعظم بود که بعدها دستورالعمل آن در کتاب مستطاب اقدس از سماء مشیت مالک قدم صادر...»^{۲۳}

جمال اقدس ابهی^۱ در یکی از الواح نازله به اعزاز جناب نبیل زرنندی دربارہ، سفر حجّ او چنین می‌فرماید: «... ان اشکر الله بما وقّقتک علی الطّواف حول البیت الاعظم و فزت بالحجّ الاکبر. ان احمد و کن من الحامدین...»^{۲۴}

یکی دیگر از اقدامات بسیار مهمّ و تاریخی نبیل زرنندی که الی الابد در جامعه بهائی مذکور خواهد بود اقدام او در تألیف زیارت‌نامه، جمال اقدس ابهی^۱ است. پس از آنکه صعود آن حضرت در فجر دوم ذی قعدة، ۱۳۰۹ هـ. ق. (۲۹ می ۱۸۹۲ م.) اتفاق افتاد حضرت عبدالبهاء او را به تألیف و تنظیم منتخباتی از آیات حضرت بهاء الله که در هنگام زیارت روضه، مبارکه تلاوت می‌شود مأمور فرمودند و نبیل زرنندی فقراتی از آثار جمال قدم را به این منظور استخراج و با یکدیگر تألیف نمود که امروز به عنوان زیارت‌نامه، جمال قدم در بین اهل بهاء معروف و متداول است و در

هنگام زیارت مقام مقدّس حضرت ربّ اعلیٰ نیز از همین زیارتنامه استفاده می‌شود. درباره این زیارتنامه و کیفیت تألیف آن شرحی مفصّل مرقوم و در مجله، عندلیب (سال دوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۶۲ ه. ش.، صص ۲۷-۳۳) به طبع رسیده و خوانندگان گرامی را به مطالعه آن مقاله ارجاع می‌دهد.

علاوه بر اقدامات خاصی که در فوق به آن اشاره شد در شرح مساعی نبیل زرنندی باید به این مطلب توجه دقیق مبذول داشت که اسفار نبیل به بلاد و قراء و قصبات ایران در سنین اولیّه، طلوع شمس حقیقت اثری بسیار عمیق و اساسی در تثبیت و تحکیم امرالله در این بلاد داشته و نبیل عامل مهمّ استقرار امر در جوامع بهائی و حصول اتحاد و اتفاق بین احبّای الهی و تزئید معلومات و اطلاعات و بینش امری آنان در معارف بهائی و تشویق و تحریض دوستان به تخلّق به حیات و اخلاق بهائی و قیام و خدمت آنان برای نصرت امر الهی بوده است.

با توجه به این مطلب که پس از شهادت حضرت ربّ اعلیٰ و در سنین اولیّه ظهور جمال قدم اکثریت اهل بیان در تیه حیرت متحیر و سرگردان و رشته افکار و عقایدشان سردرگم و متشتت و انظار و انتظاراتشان به جهات گوناگون ناظر و مایل بوده، اقدامات نبیل زرنندی در تألیف قلوب و جلب انظار آنان به مظهریت جمال اقدس ابهی حائز نهایت اهمّیت است.

در همین اسفار، نبیل زرنندی به هرجا وارد می‌شده احبّای مطلع محلی را به تسوید آثار مبارک‌های که با خود داشته تشویق و تحریض می‌نموده و شرح و تفهیم نصوص مبارک را وجهه همّت خود قرار می‌داده است. اثرات تسوید و توزیع آثار و الواح و ادعیه، مبارکه در بین جوامع بهائی که در آن زمان تحت انواع تزییقات و مشقّات بسر می‌برده‌اند و از وسائل طبع و نشر آثار بهائی به کلی محروم بوده‌اند بر اهل بصیرت کاملاً واضح و معلوم است.

گذشته از این، نبیل در همه جا با رؤسای فکری و مذهبی محلّ و نفوسی که اهل طلب و استعداد بوده‌اند مذاکرات تبلیغی می‌نموده و آنان را به شریعت الله هدایت می‌کرده است. از اشاراتی که در شرح اسفار او گذشت کاملاً پیداست که نبیل زرنندی بنا به امر جمال قدم در اسفار عدیده، خود به اطراف و اکناف ایران با زعمای بیان به محاجّه و مناظره پرداخته و با علم و احاطه‌ای که به آثار حضرت ربّ اعلیٰ و مندرجات آثار جمال قدم داشته حقانیت حضرت بهاءالله را به عنوان موعود بیان برای آنان شرح و اثبات می‌نموده و سخافت و سستی دعاوی ازل و شبّهات و اعتراضات رؤسای بیان را پاسخ می‌گفته است. این اقدامات که با تهوّر، شجاعت و مراتب علم و تقوی و انقطاع نبیل زرنندی قرین بوده در اعماق قلوب و افکار بسیاری از معتقدین به شرع بیان مؤثر واقع می‌شده و آنان را برای معرفت مقام جمال قدم و قیام بر خدمت امر مبارکی که در ربّیان رشد و نموّ خود بوده مجهّز و آماده می‌ساخته است.

یکی دیگر از حالات برجسته، نبیل زرنندی تشویق یاران در هر منطقه به سفر به اعقاب مقدّسه و زیارت جمال قدم و نیز تشویق و تحریض آنان به نوشتن عرایض و کسب هدایت الهیه در امور روحانی و طرح مشاغل ذهنی و مسائل جاری در زندگی مذهبی و فکری آنان بوده است.

مطلب دیگری که در عرصه حیات و مساعی نبیل زرنندی باید مورد توجه و ارزیابی دقیق قرار گیرد رسائل و مکاتیب عدیده‌ای است که برای زعمای جامعه به طور انفرادی و برای جوامع بهائی به صورت گروهی مرقوم نموده است. هرچند این مکاتیب و رسائل هنوز جمع‌آوری نشده و مورد مطالعه حقیق قرار نگرفته اما از قرائن و شواهد موجود چنین پیداست که نبیل زرنندی با بسیاری از رجال و صدائید جامعه، امر در مکاتبه بوده و برای جوامع بهائی نیز مکاتیب و رسائلی به نظم و نشر نوشته که به یکی دو نمونه، آنها در ذیل آثار نبیل زرنندی اشاره خواهیم نمود. اهمیت و نقش اساسی این مکاتیب در اشاعه، معتقدات بهائی، تألیف قلوب اهل ایمان به یکدیگر، تفهیم مقام جمال قدم به نورسیدگان ایمانی و دفاع از آراء و عقاید بهائی در سنین اولیه، عهد ابهی که فضای فکری و اعتقادی اهل بیان به شبهات یحیی ازل و هواداران او آلوده و مکدر بوده البته غیر قابل انکار است.

در این سنین که بایان متشکلت و در خطاهای اخلاقی منہمک و در شناخت مرجع معلوم، مشکوک و متحیر و در اثر تزییقات خارجی پریشان احوالند نبیل زرنندی در اسفار و مکاتبات خود آنان را به تقوی، توکل و ترک معاصی و حصر توجه در جمال قدم و کسب رضای او دعوت می‌نماید و آنان را به توجه به فجر ظهور بدیع و تحقق مواعید حضرت ربّ اعلیٰ بشارت می‌دهد.

از مشخصات حیات نبیل زرنندی که در این مقام باید بر آن تأکید نمود ثقه و اطمینان تامّ جمال قدم به مراتب کفایت و درایت و شجاعت و انقیاد تامّ و خلوص باطنی نبیل زرنندی است. از مندرجات آثار مبارکه‌ای که خطاب به او عزّ نزول یافته و از حسّاسیت و صعوبات عدیده‌ای که در مأموریت‌های محوله، به او موجود بوده می‌توان به میزان اطمینان جمال قدم به کمالات فطری نبیل زرنندی واقف گشت. انجام مراسم حجّ بهائی در شیراز و بغداد، اعزام نبیل به مصر برای دادخواهی مظلومین و مسجونین بهائی در آن سرزمین و مأموریت‌های عدیده دیگری که نبیل برای مقابله و مناظره اعتقادی با رؤسای بیان و پیروان ازل و تبلیغ نفوس مهمّه در ایران و سایر بلاد خاور میانه داشته نمونه‌هایی از مأموریت‌های خطیری است که بر دوش نبیل زرنندی نهاده شده و در نهایت کفایت به انجام آنها توفیق یافته است.

کیفیتی که در حیات نبیل زرنندی محیر عقول و افکار بشری است ارتباطات عاطفی و شمّ روحانی اوست که از ایمان محکم و بلا شرط، توکل صرف و اطاعت و بندگی محض او در آستان جمال قدم منشأ می‌گیرد و این صفات، جاذب الهامات الهیه در وجود او می‌گردد. چنین ایمان و توکل و اطاعتی که با خمیرمایه وجود نبیل زرنندی عجین گشته به صورت مکاشفات روحانیه و الهامات غیبیه در زندگی او نقشی اساسی ایفاء می‌نماید و حافظ و هادی او در وقایع خطیره حیاتش می‌شود. نبیل در اثر این عواطف و احساسات روحانیه در مواردی بسیار به وقایع و حقائق امور در عالم رؤیا دست می‌یابد و کشف و درک بسیاری از معضلات در منام بر او واضح و آشکار می‌شود.

یکی از اساسی‌ترین و پُرازش‌ترین و پایدارترین خدمات نبیل زرنندی که اثرات و نتایجش الی

الابد در عالم وجود باقی خواهد ماند اقدام او به نوشتن تاریخ امر مبارک و سرودن اشعار و تحریر رسائل عدیده در مواضع مختلفه، امری است. این بخش از اقدامات و خدمات نبیل اعظم زرنندی را تحت عنوان آثار قلمی نبیل اعظم زرنندی ذیلاً مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

آثار قلمی نبیل اعظم زرنندی

آثاری که از قلم نبیل اعظم زرنندی بجا مانده به دو دسته، بزرگ یعنی آثار منظوم و آثار منثور قابل تقسیم است.

آثار منظوم نبیل در قالب انواع شعر فارسی نظیر مثنوی، قصیده، غزل، مسمط، مخمس و رباعی به منصفه، ظهور رسیده و چون هنوز به طور کامل جمع‌آوری نشده حجم واقعی آنها به دقت معلوم نیست اما شواهد عدیده دال بر آن است که نبیل زرنندی به مناسبت حوادث و وقایع مهمه‌ای که در زمان حیاتش اتفاق افتاده شعر بسیار سروده است.

نبیل بنا به خواهش بعضی از احباء شرح وقایع شهادت بعضی از شهداء و حوادث امری در بلاد مختلفه را به نظم کشیده و گاهی بر سبیل محاجه و یا طبع آزمائی مطابق اوزان و قوافی اشعار معروفترین شعرای فارسی‌زبان نظیر حافظ و سعدی اشعاری را به رشته نظم درآورده است.

بعضی از مثنوی‌های عمده او که در شرح وقایع مهمه، امری و تاریخ سوانح حیات جمال اقدس ابهی^۱ به رشته نظم کشیده شده به اشاره، حضرت بهاء‌الله و یا حضرت عبدالبهاء بوده است.

مثنوی‌های نبیل غیر از ارزش و اهمیت ادبی و عرفانی دارای اعتبار خاصی است زیرا مملو از اشارات تاریخی و شرح و بسط وقایع امری است و لذا این گونه اشعار را باید از جمله مدارک اصلیه، موثقه در تنظیم و تحریر تاریخ امر مبارک نیز محسوب داشت. ذیلاً اهم مثنوی‌های نبیل زرنندی را که به نظر این عبد رسیده است مختصراً معرفی می‌نماید:

اول - مثنوی تاریخی نبیل اعظم زرنندی است که به صورت جزوه‌ای تحت عنوان مثنوی ملا محمد علی زرنندی الملقب بالتبیل در تاریخ امر بهائی به سال ۱۳۴۲ ه. ق. (۱۹۲۴ م.) در المطبعة العربیة مصر به طبع رسیده و به دنباله، مثنوی مزبور که شامل شصت و پنج صفحه می‌باشد شرح صعود حضرت بهاء‌الله به قلم نبیل زرنندی و متن کتاب عهدی و یکی از مناجات‌های جمال قدم که به اعزاز نبیل عزّ نزول یافته چاپ گردیده و مجموعه، مزبور با فهرست مندرجات در یکصد و دوازده صفحه انتشار یافته است. مثنوی تاریخی نبیل زرنندی با شرح ولادت جمال قدم و وقایع تاریخی صدر امر یعنی از ایام شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی شروع می‌شود و وقایع حیات طلعات مقدسه و شهدای امر را تا پایان سال ۱۲۸۵ ه. ق. (۱۸۶۹ م.) شامل می‌شود.

آن طور که از متن آن بر می‌آید تاریخ نظم این مثنوی محرم سنه ۱۲۸۶ ه. ق. است که با ایام آپریل و می سنه ۱۸۶۹ م. مقارن بوده است. مثنوی تاریخی نبیل با این ابیات آغاز می‌شود:

اول عنوان این لوح شهی زینت افزا گردد از اسم بهی

تا بهایش پُر کند آفاق را نور بخشد قلب هر مشتاق را

و با این ابیات خاتمه می‌یابد:

ای بهاء هرچه به ما باشد عسیر هست در نزد تو بس سهل و سیر
عید آمد ای شهنشاه انام عیدهئی ده بر فقیران و السلام
دوم - مثنوی مفصل نبیل در شرح وقایع خروج جمال قدم از ادرنه تا ایام اولیه، ورود به عکا.
این مثنوی با این ابیات آغاز می‌شود:

از دو چشم ای قلب امکان خون ببار تا شود خون موج زن از هر کنار
ای فلک از دیدگان آتش فشان نهر ناری کن روان از کهکشان...

این مثنوی حاوی ششصد و شصت و شش بیت است و در آن نبیل زرنندی جزئیات سفر جمال
قدم و همراهان را از ادرنه به صوب عکا شرح داده است.

بر اساس مندرجات این مثنوی فرمان ترک ادرنه در ۸ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ هـ. ق. (۲۹
جولای ۱۸۶۸ م.) به جمال قدم و عائله، مبارکه ابلاغ گردید و آنان در ۱۶ ربیع الثانی ۱۲۸۵ هـ.
ق. (۶ اگست ۱۸۶۸ م.) ادرنه را به صوب گالیپولی ترک نمودند. در گالیپولی حکم دولت آن بود
که جمال قدم و دو برادر ایشان و یک خادم را به سمتی و بقیه را به سمت اسلامبول حرکت
دهند. اما التجای احباء به همراهی با جمال قدم به امر هیکل مبارک به اطلاع سلطان عثمانی رسید
و فرمان بعدی مبنی بر سرگونی همه، مسجونین به عکا از باب عالی واصل گردید. به این ترتیب
جمال قدم و همراهان در ۲۲ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ هـ. ق. (۱۲ اگست ۱۸۶۸ م.) عازم عکا
شدند. بر اساس گزارش نبیل در این سفر ۲۹ نفر از رجال و ۳۷ نفر از نساء یعنی جمعاً ۶۶ نفر
همراه جمال قدم بوده‌اند. نبیل در توضیح خود اضافه می‌کند که از این عده نه نفر از «اغصان» و
«اقمار» بهاء و سیزده نفر از «انوار» بهاء و چهل و چهار نفر بقیه از «اصحاب» بهاء بوده‌اند.

بعد نبیل در این مثنوی به بیماری جناب منیب کاشانی در کشتی و اقامت و صعود ایشان در
ازمیر اشاره می‌کند و چون داستان مثنوی او به ورود کشتی جمال قدم به بندر اسکندریه می‌رسد
شرحی مشبع از جریان مسجونیت خود در زندان اسکندریه ارائه می‌دهد که خلاصه آن را ذیلاً
نقل می‌نمائیم:

نبیل چنانچه در شرح احوالش مذکور شد برای دادخواهی از زندانی شدن چند نفر از احباء در
مصر به امر جمال قدم به مصر می‌رود و اندکی پس از ورودش به قاهره دچار دسیسه و دشمنی
قنسول ایران در قاهره می‌گردد و به زندان می‌افتد و سرانجام او را برای بازجوئی مفصل و تعیین
تکلیف به زندان اسکندریه می‌فرستند. در آنجا نبیل با کشیشی به نام فارس که او هم زندانی بوده
دوست می‌شود و بعد از چند روز کشیش را به امر الهی تبلیغ می‌کند. نبیل در وصف صفات و
حسنات کشیش نصاری در مثنوی خود چنین می‌گوید:

... عالم و معروف و مشهور بلاد ظاهر از وجهش صلاح و هم سداد

چون نبیلش دید ذی قدر و رفیع کرده تبلیغش بدین امر منیع ...

در همین احیان کشتی جمال قدم به اسکندریه می‌رسد و نبیل و فارس مسیحی از ورود جمال
قدم مطلع شده، شب را تا به صبح در بالای بام زندان به دعا و مناجات می‌گذرانند که:
... کای بهاء، امشب تو در این ساحلی کسی ز حال بی‌کسالت غافلگی

گرچه ما هم در کنار این یمیم لیک ممنوعیم در سجن غمیم
از عنایت یک نظر بر سوی ما وز عطا بگشا دری بر روی ما ...

بعد بنا به قول نبیل، فارس عریضه‌ای در شرح اشتیاق و عبودیت خود مرقوم می‌دارد و نبیل هم نامه‌ای می‌نویسد و فارس مسیحی هر دو نامه را به وسیله یکی از جوانان نصاری که قسطنتین ساعت‌ساز نام داشته به حضور جمال قدم می‌فرستد. قسطنتین عریض مذکور را به میرزا آقا جان خادم الله در کشتی می‌رساند و خود نیز شخصاً مشرف می‌شود و عریضه نبیل در محضر مبارک قرائت می‌گردد و لوحی به اعزاز او از قلم جمال قدم صادر می‌شود که حاوی عنایتی به فارس مسیحی نیز بوده است. چون کشتی عازم ادامه سفر بوده فرصت نزول لوحی برای فارس حاصل نمی‌شود اما جمال قدم بعداً در عکا لوحی به اعزاز کشیش مزبور نازل فرموده برای او ارسال می‌دارند.^{۲۵}

از قضای روزگار اندکی پس از حرکت کشتی جمال قدم به صوب عکا کشیش مسیحی نیز از حبس اسکندریه آزاد می‌شود و با شور و هیجان و فیر در بین نصاری به تبلیغ امر مبارک می‌پردازد. نبیل پس از وصف این قضایا به ورود کشتی جمال قدم به حیفا و اعزام چهار نفر از یاران جمال قدم در معیت میرزا یحیی^{۲۶} به قبرس اشاره می‌کند و جریان آقا عبدالغفار را که از حزن مفارقت جمال قدم خود را به قصد انتحار به دریا انداخت شرح می‌دهد^{۲۶} و مثنوی نبیل با ذکر ورود جمال قدم به قشله عکا و مصائب و شداید ایام اولیّه، ورود و بیماری شدید جمیع یاران جمال قدم به انتهی^{۲۷} می‌گراید و پس از تفصیل کیفیت صعود آقا ابوالقاسم اراکی و آقا محمد باقر و آقا محمد اسمعیل خیاط کاشانی که با یکدیگر برادر و هر دو با هم در یک شب در قشله عکا صعود نمودند و شرح جریان تدفین آنان مثنوی نبیل به پایان می‌رسد.^{۲۷}

نبیل زرنندی در پایان این مثنوی چنین می‌سراید:

... ای بهاء ای کاشف کلّ کروب بذل کن حبّ بدیعی در قلوب
تا که دل از حبّ تو روشن کنند جمله آفاق را گلشن کنند
منتهی آمد به حبّ الله کلام حبّ تو ما راست مرجع و السلام
سوم - مثنوی مشهور به «وصل و هجران» است که با این ابیات آغاز می‌شود:

به نام خدای سریع الحساب که در نزد او هست امّ الکتاب
چو فرمود حاسب بنفسک مرا در این شب محاسب شوم خویش را ...

این مثنوی در شرح سفرها و محاسبه دفعات تشرّف و طول اقامت نبیل در مجاورت جمال اقدس ابهی^{۲۸} به نظم کشیده شده است. نبیل از جمله در این مثنوی شریف به ایمان خود به جمال قدم در بغداد به سال ۱۲۷۵ ه. ق. (۱۸۵۸ م.) اشاره می‌کند:

... به بغداد در بدو هفتاد و پنج فرو رفت پای مرادم به گنج
مشرف به تشریف هائی شدم ز ظلمت گذشتم بهائی شدم ...

از قرائن موجود در این مثنوی چنین پیداست که در سال ۱۲۸۷ ه. ق. (۱۸۷۰ م.) به رشته نظم درآمده و چون در پایان این مثنوی، نبیل از جمال قدم خواسته است که نظیر جناب میرزا

مهدی غصن اطهر در راه امر مبارک به فدای جان موفق شود سرودن این ابیات باید اندکی پس از صعود جناب میرزا مهدی که در تاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۲۸۷ ه. ق. (۲۳ جون ۱۸۷۰ م.) اتفاق افتاده بوده باشد. ابیات آخر مثنوی «وصل و هجران» به شرح زیر است:

... به همراه مهدی و اسم منیر ز شمس لقایش نما مستنیر
مرا در قدومت فدائی نما اجب دعوتی یا ملیک البهاء

در این ابیات مقصود از «مهدی» میرزا مهدی غصن اطهر و مقصود از «اسم منیر» جناب اسم الله المنیب مشهور به میرزا آقای منیر کاشانی است که در از میر صعود نمود و شرح حالش به تفصیل در کتاب تذکره الوفاء (صص ۲۲۲-۲۲۶) مندرج است.

چهارم - مثنوی نبیل زرنندی درباره تعمیر بیت حضرت ربّ اعلیٰ در شیراز است که به همت میرزا آقای افنان (ملقب به نورالدین) در سال ۱۲۸۹ ه. ق. (۱۸۷۲ م.) انجام و اتمام یافت و این واقعه تاریخی و مساعی میرزا آقای افنان در مثنوی نبیل که بیست بیت آن در کتاب خاندان افنان به طبع رسیده منعکس گردیده است.^{۲۸}

پنجم - مثنوی نبیل در خصوص حیات و شرح شهادت حضرت غصن اطهر است که از دردناک‌ترین و محزن‌ترین آثار نبیل زرنندی محسوب می‌شود. در این مثنوی محامد و نعوت و سجایای حسنه و کمالات روحانیّه حضرت غصن اطهر در غایت استادی و تألم شدید روحی شاعر به رشته تحریر درآمده و شرح شهادت آن غصن اطهر شجره الهیه به ارق عبارات و احزن تشبیهات به رشته نظم کشیده شده است. این مثنوی شامل ۳۵۴ بیت است و نبیل تاریخ حیات غصن اطهر را از طفولیت تا یوم شهادت مشروحاً شرح و بسط داده است.

ششم - مثنوی نبیل در شرح احوال جناب آقا محمد نبیل اکبر قائمی. این مثنوی بالغ بر ۳۰۳ بیت است و در آن نبیل زرنندی جزئیات احوال و صفات و کمالات آقا محمد نبیل اکبر قائمی را به رشته نظم کشیده و سوانح ایام حیات او را شرح و بسط داده است. تاریخ صعود جناب آقا محمد نبیل اکبر بنا بر شعر نبیل در «تاسع ذی الحج غین و شین و طاء» یعنی نهم ذی حجه سنه ۱۳۰۹ ه. ق. (۵ جولای ۱۸۹۲ م.) بوده و بنا بر این، این مثنوی را باید از آخرین آثار منظوم این شاعر توانای بهائی محسوب داشت.

هفتم - مثنوی نبیل درباره مسائل تاریخی و استدلالی که حسب الامر جمال قدم سروده و برای اهالی دولت‌آباد اصفهان ارسال داشته است. چنانچه در ابیات ذیل ملاحظه خواهد شد سرودن این مثنوی در روز نوزدهم جمادی الثانی «سال غین و شین و طاء» (۱۳۰۹ ه. ق. مطابق با ۲۰ ژانویه ۱۸۹۲ م.) آغاز شده و بنا بر این از آثار اخیر نبیل زرنندی محسوب می‌گردد. نبیل چنانچه خود تصریح نموده دو بیت نازله از قلم جمال اقدس ابهی در ایام عراق را در صدر این مثنوی قرار داده و سپس مثنوی خود را که بالغ بر چهارصد بیت می‌باشد به رشته نظم کشیده است. ابیات اولیه این مثنوی به شرح زیر است:

ذکر ذکرالله چو آمد در جهان وجه ذات الله غیب آمد عیان
خیمه هستی ز ذکر آمد پدید صد هزاران خیمه‌ها از هم درید

در عراق از مالک کلّ رقاب
تا نمایم افتتاح مثنوی
این زمان هم کز عطای ذوالمنم
سال غین و شین و طای موقده
امر صادر شد ز یار معنوی
بهر اهل دولت آباد از بلاد
لاجرم در این سحرگاه نجاح
تا شود از نفعه ربّ الربوب

شد عنایت این دو بیت مستطاب
در ثنای آن نگار معنوی
هست حصن سجن اعظم مسکنم
رفته از دوّم جمادی نوزده
تا کنم جزوی رقم از مثنوی
که بود اندر جوار ارض صاد
بر دو بیت شاه جان شد افتتاح
این مبارک نامه مفتاح قلوب ...

عصاره، مطالب این مثنوی در خصوص اثبات حقایق جمال قدم به عنوان موعود منتظر اهل بیان است و در آن مفصلاً اعمال مردوده و دعاوی سخیفه، یحیی' ازل شرح و بسط یافته است. این مثنوی برای رفع شبهات اهل بیان و جلب انظار طرفداران حاجی میرزا هادی دولت‌آبادی که ادعای وصایت میرزا یحیی' ازل را داشته به دولت آباد ارسال شده تا نفوس منصفه موقعیت واقعی یحیی' ازل را در تاریخ تحولات بابی و بهائی دریابند و به حقایق جمال قدم به عنوان من یظهره الله موعود در شرح بیان پی برند و سوء اعمال و آمال میرزا یحیی' ازل را درست ادراک نمایند. اما از قصاید مشهور نبیل زرنندی که حضرت عبدالبهاء در کتاب تذکرة الوقاء ذکر آن را فرموده‌اند قصیده مشهور به «بهاء بهاء» است که با این بیت آغاز می‌شود:

دگرم شرر زده بر روان شجر بهات بهاء بهاء

دگرم کشانده به طور جان جذب سنات بهاء بهاء ...

این قصیده غرای نبیل که آئینه تمام‌نمای جذبه و تولّه او نسبت به معبود و معشوق حقیقی است در هجده بیت به نظم آمده و تمام آن در کتاب تذکرة شعرای قرن اول بهائی به طبع رسیده است.^{۲۹} بیت مقطع قصیده مزبور چنین است:

بود این زمان به تو نسبتم میسند ضایع و نکبتم

یکشان به عرصه نزهتم ز تعلقات بهاء بهاء

نبیل را با ردیف «بهاء بهاء» قصیده دیگری نیز هست که به سال ۱۲۷۵ ه. ق. (۱۸۵۸ م.) سروده و در آن چنین می‌فرماید:

شب هجر گرچه طویل شد چو سیاه موت بهاء بهاء

فلك اللقاء که تمام شد ز بروق روت بهاء بهاء

به دلم شد از تو اشارتی که دهم به خلق بشارتی

که به سر روند چو گوی‌ها همگی به کوت بهاء بهاء

قصیده دیگری که با ردیف «بهاء بهاء» به نظم آورده و در شعبان ۱۲۸۶ ه. ق. (نوامبر ۱۸۶۹ م.) در مدینه ناصره سروده با این ابیات آغاز می‌شود:

شده مشتعل دل عالم از شرر بهات بهاء بهاء

شده مختمر گل آدم از اثر بهات بهاء بهاء

صدف وجود ز بحر لا هم از آن سبب شده برملا

که مقدر آمده اندر او گهر بهات بهاء بهاء ...

از دیگر قصاید غرّای نبیل اعظم زرنندی قصیده‌ای است که به مناسبت ازدواج حضرت عبدالبهاء با منیره خانم به رشته نظم کشیده است. این قصیده که در نوزده بیت سروده شده با این ابیات آغاز می‌شود:

الا ای عاشقان شادی که عالم گلشن است امشب

مزین بزم عشاقان ز سرو و سوسن است امشب

همه اشیاء غزخوان شد همه ذرات رقصان شد

تو نیز ای دل بزن بشکن که بشکن بشکن است امشب

و در انتهای قصیده چنین می‌گوید:

حریم حضرت سبحان مبارک باد شادیتان

از آن چیز می‌خواهم لسانم الکن است امشب

پذیرید از کرم نظمم اگرچه بس پریشان است

که جذب غصن رحمانی خرد را رهن است امشب

متن این قصیده در کتاب نورین نیرین به طبع رسیده است.^{۳۰}

اما از رباعیات مهم نبیل زرنندی باید به نوزده قفیه از رباعیات تاریخی او اشاره نمود که در آنها تاریخ هم وقایع حیات جمال اقدس ابهی را از یوم ولادت تا سال اول اقامت در عکا به نظم کشیده و خود در هنگام سرودن این رباعیات چهل ساله بوده است. متن این رباعیات در کتاب تذکره شعرای قرن اول بهائی طبع و انتشار یافته است.^{۳۱}

از نبیل نه رباعی دیگر در زمینه مسائل اخلاق و حیات بهائی در دست است که مندرجات آنها از الواح جمال قدم مخصوصاً منطوق کلمات مبارکه، مکتونه تأثیر پذیرفته است. نه رباعی مذکور در مجله، نجم باختر به طبع رسیده است.^{۳۲}

رباعی دیگر نبیل که آن را باید از آخرین آثار طبع وقاد او محسوب نمود بیست و هفت روز پس از صعود جمال قدم سروده شده و در آن ماده، تاریخ صعود آن حضرت و جلوس حضرت عبدالبهاء بر اریکه، میثاق به رشته نظم درآمده است. متن این رباعی چنین است:

شد نهن شمس جمال، آمد شب هجر و فراق بدر غصن الله سر زد از افق با احتراق

سال تاریخ غیاب شمس شد قد غاب رب گشت تاریخ طلوع بدر غصن الله باق

در این رباعی عبارت «قد غاب رب» که اشاره به صعود جمال قدم می‌باشد و عبارت «غصن الله باق» که دال بر جلوس حضرت عبدالبهاء بر اریکه، میثاق است برابر رقم ۱۳۰۹ می‌باشد. حال که ذکر رباعیات نبیل زرنندی در میان است دو رباعی لطیف او را که حاکی از ذوق سرشار اوست مسک الختام این مبحث می‌سازد. در رباعی اول اگر حروف اول مصاریع با هم ترکیب شود کلمه، «فندق» به دست می‌آید که نبیل برای یکی از دوستان خود به هدیه فرستاده بوده است. در رباعی دوم، نبیل طلب «بخشش» نموده و این کلمه نیز با ترکیب حروف اول چهار مصرع حاصل

می‌شود:

فضل و کرم تو باغ و بوستان نبیل نور رُخ تو شمع شبستان نبیل
در اول چار مصرع آنچه بود قدری به سویت روان شد ای جان نبیل

باز از تو عنایت و عطا می‌خواهم خلق خوش و بهجت و صفا می‌خواهم
شک نیست که از چهار مصرع اسمی شیرین ز تو چون لعل بهاء می‌خواهم
مهم‌ترین و دلکش‌ترین ترجیع‌بندی که از نبیل بزجا مانده با این بیت آغاز می‌شود:
ای غمت شمع محفل عشاق وی غمت حلّ مشکل عشاق
تا کمان گشت ابروی تو، نشست تیر عشق تو بر دل عشاق ...
بند گردان این ترجیع‌بند چنین است:

که شه‌نشا‌ه ملک زیبائی مستوی شد به عرش ابهائی
دو خانه از این ترجیع‌بند در مجله، آهنگ بدیع به طبع رسیده است.^{۳۳}
از نبیل زرنندی ترجیع‌بند دلکش دیگری در نوزده خانه بزجا مانده که ابیات صدر بند اول آن چنین است:

مشتعل شو جهان که نار آمد عاشقا جان بده که یار آمد
قرن ظلمت گذشت و نور رسید لیلِ آخر شد و نهار آمد ...
بند گردان این ترجیع‌بند این است:

کآتش قلب کائنات بهاست پرده‌سوز صفات و ذات بهاست
تمام این ترجیع‌بند که ابیات هر خانه، آن از هجده بیت تشکیل شده و در غایت فصاحت و استادی به نظم درآمده در وصف ظهور جمال قدم و کمالات و افاضات یوم ظهور است.
دوم - آثاری که از قلم نبیل اعظم زرنندی به صورت نشر باقی مانده بسیار متعدّد و از نظر اهمیّت متفاوت است. آثار نشر نبیل شامل تاریخ مفصل نبیل زرنندی درباره امر بابی و بهائی، رسالات متعدّد، و مکاتبات او با افراد و جماعات بهائی است. ذیلاً درباره این آثار به اختصار نکاتی را مطرح می‌سازد:

۱- تاریخ مفصل نبیل زرنندی درباره امر بابی و بهائی. درباره این تاریخ شرحی مجزاً به رشته تحریر درآمده که در این کتاب به طور مستقلّ به طبع رسیده و می‌تواند مورد رجوع و مطالعه خوانندگان قرار گیرد.

۲- شرح قوانین ارث در امر بهائی. از نبیل زرنندی رساله‌ای در دست است که در آن احکام ارث بهائی را که در کتاب مستطاب اقدس عزّ نزول یافته شرح و بسط داده است. متن قسمتی از این رساله در کتاب امر و خلق به طبع رسیده و در دسترس یاران است.^{۳۴}

۳- رساله نبیل درباره تقویم بهائی. این رساله در شرح تقسیم سال به شهور و ایام مطابق مندرجات کتاب بیان فارسی است. نبیل در مقدمه این رساله چنین می‌گوید: «در کتاب اقدس از برای من فی العالم چهار عید مقرر شده...» نبیل زرنندی تقویم بدیع بیانی را که در این رساله شرح

و بسط شده از کتاب الاسماء حضرت باب استخراج نموده و با اسماء کلّ شیء (کلّ شیء = ۳۶۱ = ۱۹ × ۱۹) مرتب کرده است. نکته‌ای که باید به آن توجه نمود آن است که مبدأ تقویم بدیع بیانی به امر جمال قدم سنه ۱۲۶۰ ه. ق. (۱۸۴۴ م.) یعنی سال اظهار امر حضرت ربّ اعلیٰ تعیین شده است. اما چون اظهار امر مبارک ۶۶ روز پس از نوروز سنه ۱۲۶۰ ه. ق. یعنی در پنجم جمادی الاول سال ۱۲۶۰ ه. ق. (۲۳ می ۱۸۴۴ م.) اتفاق افتاده بوده و مبدأ تاریخ می‌باید بر اساس حساب شمسی و برابر تحویل شمس به برج حمل باشد، نبیل زرنندی نوروز سنه ۱۲۶۰ ه. ق. را برابر اول شهر البهاء سنه اول بیانی در نظر گرفت و چون در حین اظهار امر حضرت ربّ اعلیٰ ۶۶ روز از نوروز گذشته بود نوروز سال بعد یعنی سنه ۱۲۶۱ ه. ق. را نوروز اول در تقویم بدیع بیانی محسوب داشت.

تاریخ دقیق تنظیم این رساله کاملاً معین نیست اما قدر مسلم آن است که این امر در سنین اولیه، ورود جمال قدم به عکا و شاید در اواخر سال ۱۲۸۷ ه. ق. (۱۸۷۰ م.)، یعنی هنگامی که جمال قدم در بیت ملک سکونت داشته‌اند مورد توجه آن حضرت واقع شده و نبیل به استخراج اسماء و ترتیب و تنظیم آن توفیق یافته باشد. در هر حال رساله، نبیل زرنندی درباره تقویم بهائی از همان سنین اولیه، تهیه و استخراج، مورد استفاده، احباء واقع شده و تقویم بهائی متداول در بین بهائیان مبتنی بر این رساله است.

۴- از رسائل مهمه، دیگری که از نبیل در دست است رساله، شرح صعود جمال اقدس ابهی است که باید آن را آخرین رساله، مهم نبیل زرنندی محسوب داشت. متن این رساله در کتاب مثنوی ملا محمد علی زرنندی... به طبع رسیده و همین شرح است که غالباً در شب صعود جمال اقدس ابهی هر سال در سراسر عالم بهائی مورد مطالعه، احباء قرار می‌گیرد.

۵- اما از مکاتیب نبیل زرنندی باید به عنوان مثال به مکتوب مفصلی اشاره نمود که به تاریخ ۱۱ ذی قعدة، سنه ۱۲۸۶ ه. ق. (۱۳ فوریه، ۱۸۷۰ م.) مرقوم و برای بهائیان درخش در خراسان ارسال نموده است. این مکتوب که متن آن در کتاب اسرار الآثار به طبع رسیده باید به عنوان نمونه، دهها مکتوبی محسوب گردد که نبیل زرنندی خطاب به جوامع بهائی در ایران مرقوم داشته و حاوی نکات تاریخی و تشویق و تحریض احباء به خدمت، الفت، اتحاد و از این قبیل است. یکی از نکات مهمه‌ای که در این مکتوب جلب توجه می‌نماید آن است که هرچند مکتوب مزبور در اوائل ورود جمال قدم به سجن عکا مرقوم شده و تاریخ تحریر آن با صعود حضرت بهاء الله و جلوس حضرت عبدالبهاء بر اریکه، میثاق بیش از بیست سال فاصله دارد اما نبیل زرنندی با بینش و بصیرت روحانی خود درباره، حضرت عبدالبهاء در این مکتوب چنین می‌نویسد: «... جز جمال الله الابهی کسی را نستائید... و بعد از حبّ آن محبوب که مقدّس است از قبل و بعد، دست به دامن حبّ و شفاعت غصن الله الاعظم حضرت سرّ الله الافخم الافخم زنید که این است مایه، نجات و منبع عین الحیات. طوبیٰ للشاریین...»^{۳۵}

در این مقام شرح احوال و آثار جناب نبیل اعظم زرنندی را به پایان می‌برد و یکی از غزلیات او

را که مرآت صافی آمال و منویات قلب منیر این فدائی آستان جمال اقدس ابهی است مسك الختام
 این وجیزه می‌سازد که با لحن مناجات چنین می‌فرماید :
 به اذکار بدیعت دائم ای رب ذاکرم گردان
 به نعمای جلیلت دائم ای رب شاکرم گردان
 تذکر را انیسم کن ، تفکر را جلیسم کن
 مدام از روزن جان بر جمالت ناظرم گردان
 به اعمالی که در وی ارتفاع امر و ذکر تست
 چونجم صبحدم از شرق عالم ظاهرم گردان
 از آن کوثر که طاهر ساختی نیکان و پاکان را
 بنوشان ساغری وز ماسوایت طاهرم گردان
 مزین کن وجودم را به اخلاق عظیم خود
 از این آهن‌ربا در جذب دلها ماهرم گردان
 جهان پُر گشته از اصنام اوهام ای جهان‌آرا
 به نام خود خلیل آسا بر آنها کاسرم گردان
 الهی یوسفان در چنگ گرگان تا به کی مقهور
 چو شیرانت به گرگان ز اقتدارت قاهرم گردان
 به هنگام هبوب عاصفات محنت و بأسا
 به مانند جبلها با ثبات و صابرم گردان
 به افعالی که آیام عظیمت راست شایسته
 به اسم اعظمت دائم قوی و قادرم گردان
 الا ای نیر امکان به جُند حکمت و تبیان
 برای امر اعلایت در امکان ناصرم گردان
 به بحر جود و احسانت ، به اغضان و به خاصانت
 که اندر ساعت آخر حمیده آخرم گردان

یادداشت‌ها

- ۱- حسن موقر بالیوزی، بهاء‌الله شمس حقیقت (آکسفورد: جورج رونالد، ۱۹۸۹ م.)، ترجمه مینو ثابت، صص ۱۶۸-۱۶۹.
- ۲- حضرت ولی‌امرالله، شوقی ربّانی، کتاب قرن بدیع (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۹۲ م.)، ص ۲۷۲.
- ۳- بهاء‌الله شمس حقیقت، ص ۱۷۲.
- ۴- نگاه کنید به بهاء‌الله شمس حقیقت، صص ۲۲۵-۲۲۶.
- ۵- سوره اصحاب در کتاب آثار قلم‌اعلیٰ (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۳ ب.)، ج ۴، صص ۱-۲۲ به طبع رسیده است.
- ۶- سوره دم در کتاب آثار قلم‌اعلیٰ، ج ۴، صص ۵۹-۶۷ به طبع رسیده است.
- ۷- اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب.)، ج ۵، ص ۲۱۲.
- ۸- ذیلاً درباره این لوح مطالب مفصل‌تری مذکور خواهد گردید.
- ۹- کتاب قرن بدیع، ص ۳۵۶. باید متذکر بود که جناب آقا محمد نبیل اکبر قائنی نیز گاهی در آثار مبارکه با عنوان «نبیل اعظم» مخاطب شده است چنانچه در لوحی از جمال قدم که به اعزاز «جناب نبیل اعظم علیه بهاء‌الله» عزّ نزول یافته و با عبارت «شهد الله انه لا اله الا هو و الذي ينطق في السجن الاعظم انه لمرجع البأساء و الضراء...» شروع می‌شود مقصود از نبیل اعظم جناب آقا محمد نبیل اکبر قائنی است زیرا در این لوح جمال قدم چنین می‌فرماید: «... یا ایها المتوجه الی وجهی و الناظر الی افقی، سوره حکمت که مخصوص آن جناب از ملکوت بیان الهی جاری و نازل شد هر کلمه‌ای از آن فی الحقیقه به مثابه کزن است...» مسلّم است که مخاطب لوح حکمت آقا محمد نبیل اکبر قائنی است که در این لوح خاصّ به عنوان «جناب نبیل اعظم علیه بهاء‌الله» مخاطب گردیده است.
- ۱۰- کتاب قرن بدیع، صص ۳۵۶-۳۵۷.
- ۱۱- کتاب قرن بدیع، صص ۳۵۹-۳۶۰.
- ۱۲- اسرار الآثار، ج ۴، ص ۳۵۱. و نیز به بیانات حضرت عبدالبهاء در تذکرة الوفاء مراجعه فرمائید.
- ۱۳- کتاب قرن بدیع، ص ۳۷۸.
- ۱۴- تذکرة الوفاء فی ترجمه حیاة قدماء الاحباء (حیفا: مطبعة العباسیة، ۱۳۴۳ ه. ق.)، صص ۶۱-۶۲.
- ۱۵- روحا مغزی، اسفندنامه (یا جلد دوازدهم در آقشان) (اصفهان: طبع ژلاتینی از روی خطّ مسمّی‌پرست، ۱۰۷ ب.)، ص ۱۳۲.
- ۱۶- حاج محمد طاهر مالگیری، خاطرات مالگیری (لانگنهاین: لجنه، ملی نشر آثار امری، ۱۹۹۲ م.)، صص ۸۹-۹۰.
- ۱۷- عبدالحمید اشراق خاوری، ریحیق مختوم (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب.)، ج ۲، صص ۳۵۳-۳۵۴.
- ۱۸- محبوب عالم (کانادا: عندلیب، ۱۹۹۳ م.)، صص ۳۳۶-۳۵۸.
- ۱۹- آثار قلم‌اعلیٰ، ج ۴، ص ۵۳.
- ۲۰- برای ملاحظه شرح احوال جناب مشکین قلم به مقاله این عبد که در انتهای کتاب مثنوی مبارک (چاپ آلمان، ۱۹۹۲ م.) به طبع رسیده مراجعه فرمائید.
- ۲۱- کتاب قرن بدیع، ص ۳۵۶.
- ۲۲- کتاب قرن بدیع، ص ۳۵۶.
- ۲۳- کتاب قرن بدیع، صص ۳۵۶-۳۵۷.
- ۲۴- اسرار الآثار، ج ۵، ص ۲۰۲.
- ۲۵- لوحی که به اعزاز کشیش فارس عزّ نزول یافته با این عبارات آغاز می‌گردد:

«قد حضر كتابك لدى الوجه و وجدنا منه عرف الحبّ و الوداد لذا نزل لك هذا اللّوح العظيم. ينبغي لك بان تشكر الّذى اسمعك هدير الوراق و عرفك هذا السبيل المستقيم. قم على نصرة امر ربك بالحكمة و البيان أنّه يؤيد من اراد بسلطان من عنده و أنّه لهو المقتدر التقدير. نسئل الله ان يجعلك فارس الحقايق فى هذا المضمار و يجعلك من الّذين ما منعتهم الاوهام عن الله ربك و رب العالمين... ان اذكر اذ حضر كتابك مرّة الاولى اذ استوى بحر الاعظم على الفلك بما اكتسبت ايدى المشركين و هذه مرّة اخرى حضر لدى الوجه قرئناه و اجبتناك بهذا الخطاب المبرم المحيط. كن ناظراً فى كلّ الاحوال الى شطر الحكمة و كلمّ الناس على قدر عقولهم لانّ الرّضيع لو تطعمه اللّحم فى اول ايامه يموت. كذلك يتصحك ربك الرّحيم.»

- ٢٦- براى ملاحظه شرح مربوط به اين قضايا به كتاب قرن بديع، ص ٣٦٧ مراجعه فرمائيد. شرح احوال جناب آقا عبدالقّار در كتاب تذكرة الوفاء، صص ٩٦-٩٨ نيز مندرج است.
- ٢٧- براى مطالعه شرح احوال اين دو برادر به كتاب تذكرة الوفاء، صص ٢٥٦-٢٦٠ مراجعه فرمائيد.
- ٢٨- محمد على فيضى، خاندان افغان (طهران: مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ١٢٧ ب.)، صص ١٧٢-١٧٤.
- ٢٩- نعمت الله ذكائى بيضاى، تذكرة شعراى قرن اول بهائى (طهران: مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ١٢٦ ب.) ج ٣، صص ٤٢١-٤٢٣.
- ٣٠- عبدالحميد اشراق خاورى، نورين نيرين (طهران: مؤسسه ملى مطبوعات امرى، ١٢٣ ب.)، صص ٢٤-٢٦.
- ٣١- تذكرة شعراى قرن اول بهائى، ج ٣، صص ٤٢٩-٤٣٣.
- ٣٢- نجم باختر (سال ١٤، شماره ٧، اكتوبر ١٩٢٣ م.)، ص ٢١٦.
- ٣٣- آهنگ بديع (سال ١٨، شماره ٣-٦)، صص ١٦٧-١٦٨.
- ٣٤- اسدالله فاضل مازندرانى، امر و خلق (لانگنهاين: لجنة ملى نشر آثار امرى، ١٩٨٦ م.)، ج ٤، ص ٢١٤.
- ٣٥- اسرار الآثار، ج ٥، صص ٢٠٤-٢٠٩.